



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

روانشناسی جوان

فجوات از کم روئی

(شفاطت ، عوامل ، آثار ، درمان و پیشگیری)

محمد حسین حق جو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روانشناسی اسلامی: نجات از کمروئی (شناخت، ابعاد، آثار و درمان)

نویسنده:

محمد حسین حق جو

ناشر چاپی:

المهدی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	روانشناسی اسلامی: نجات از کمروئی (شناخت، ابعاد، آثار و درمان)
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۳	سرآغاز نوشتار
۱۷	شناخت حياء مثبت و مذموم و بی حیایی
۱۷	اشاره
۱۸	مزایای مکتب اسلام
۱۹	کمرویی، حیا
۲۰	اسلام و بی حیایی
۲۰	مرز بی حیایی
۲۱	آثار بی حیایی
۲۱	اشاره
۲۱	۱ - باعث شیوع گناهان می شود.
۲۱	۲ - آبروی انسان را می برد.
۲۲	۳ - کلید بدبهاست.
۲۳	حیاء مثبت در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام
۲۳	چکیده مطالب
۲۳	حیاء مثبت
۲۳	اشاره
۲۵	مراتب حیاء مثبت
۲۵	اشاره
۲۵	۱ - حیاء از خداوند
۲۵	اشاره

- ۲۷ مکان خلوت، کمین شیطان
- ۲۷ یادآوری نعمات خداوند
- ۲۹ ۲ - حياء از معصومين عليهم السلام
- ۲۹ ۳ - حياء در زمانهاي خاص
- ۳۱ ۴ - حياء از مردم
- ۳۱ ۵ - حياء از عيوب و گناهان
- ۳۲ گناهان بزرگ
- ۳۳ آثار حياء مثبت
- ۳۳ اشاره
- ۳۳ ۱ - عبادت واقعي مي شود.
- ۳۳ ۲ - جزء صلحاء و اولياء است
- ۳۴ ۳ - گواهان اعمال فراوانند:
- ۳۶ ۳ - نور حياء، نور خداشناسي و توحيد است
- ۳۶ ۴ - حياء موجب پاكدامني مي شود.
- ۳۸ ۵ - حياء موجب بخشش گناه مي شود
- ۳۹ ۶ - حياء عامل بازدارنده است
- ۳۹ ۷ - حياء عيبهاي انسان را مي پوشاند
- ۴۱ ۸ - حياء كليد خوببهاست
- ۴۱ ۹ - پيروي از دستورات دين است
- ۴۳ حياء مذموم كمروبي در مكتب قرآن و عترت عليهم السلام
- ۴۳ اشاره
- ۴۴ حياء مذموم
- ۴۴ اشاره
- ۴۵ ۱ - پذيرايي مبهمان
- ۴۵ اشاره
- ۴۵ حفظ حدود شرعي

- ۴۵ پرهیز از اسراف
- ۴۵ پذیرایی بدون زحمت
- ۴۷ پرهیز از گناه
- ۴۷ ۲ و ۳ - احترام به پدر و استاد
- ۴۷ اشاره
- ۴۷ احترام به والدین
- ۴۹ احترام به استاد
- ۴۹ ۴ - آموختن علم
- ۵۱ کمرویی منفی
- ۵۱ آثار فردی
- ۵۱ اشاره
- ۵۱ ۱ - ضربان قلب
- ۵۱ ۲ - عوض شدن رنگ
- ۵۳ ۳ - اختلال در ریتم تنفسی
- ۵۳ ۴ - لرزش
- ۵۳ ۵ - تغییر تن صدا
- ۵۳ ۶ - لکنت زبان
- ۵۳ ۷ - گریه
- ۵۳ ۸ - اتکا به آشنایان
- ۵۳ ۹ - ارتباط با افراد کوچکتر
- ۵۴ ۱۰ - بازی با اعضاء
- ۵۵ ۱۱ - انزوا طلبی
- ۵۵ ۱۲ - عدم پذیرش دعوت
- ۵۵ ۱۳ - فرار از فعالیتهای اجتماعی
- ۵۵ ۱۴ - استرس و اضطراب
- ۵۵ ۱۵ - خشکی دهان

۵۵	۱۶ - دل پیچه
۵۵	۱۷ - احساس خارش در بدن
۵۵	آثار اجتماعی
۵۵	اشاره
۵۷	۱ - زیان اقتصادی
۵۹	۲ - عدم دفاع از حق
۵۹	اشاره
۶۲	دفاع عمومی
۶۴	نمونه های عملی دفاع از حق
۶۵	تربیت فرزندان شجاع
۶۵	۳ - افت شخصیت
۶۷	۴ - جهالت و نادانی
۶۷	اشاره
۶۷	مزایای سؤال کردن
۶۹	۵ - رکود علمی
۶۹	۶ - مشکلات عقیدتی
۷۱	۷ - مشکلات خانوادگی
۷۲	۸ - مشکلات دینی و شرعی
۷۳	۹ - مشکلات رفتاری
۷۴	۱۰ - مشکل در دوست یابی
۷۶	۱۱ - روابط نامشروع
۷۷	محروم از مشورت
۷۹	پناهگاه مناسب
۸۰	دوست
۸۰	اولیاء
۸۰	مساجد، ارتباط معنوی

۸۱	معلم و مربی
۸۱	کتاب
۸۲	افراد با تجربه
۸۲	شناخت مرزها
۸۵	عوامل کمروبی
۸۵	چکیده مطالب
۸۵	خصوصیات فطری انسان
۸۶	اشاره
۸۷	خلقت انسان با بهترین امکانات
۸۷	تعادل
۸۸	عوامل کمروبی
۸۸	اشاره
۸۸	۱ - ژنتیک
۸۸	اشاره
۹۰	بازسازی وراثت
۹۰	اسلام و بازسازی
۹۲	ژنتیک قابل تغییر است
۹۳	نقش آگاهی در خودسازی
۹۵	۲ - پدر و مادر
۹۶	۳ - مراقبتهای افراطی
۹۶	اشاره
۹۶	اعتماد به نفس
۹۷	پرهیز از افراط و تفریط
۹۸	مراقبت مناسب
۹۸	۴ - خود بزرگ بینی یا تکبر
۹۸	اشاره

- انتخاب مناسب - ۱۰۰ -----
- ۵ - محیط ۱۰۱ -----
- ۶ - ضعفهای جسمی، روحی ۱۰۱ -----
- اشاره ۱۰۱ -----
- کمبودهای خانوادگی ۱۰۱ -----
- ۷ - ترس ۱۰۳ -----
- اشاره ۱۰۳ -----
- نعمت فراموشی ۱۰۵ -----
- برخورد با مشکلات ۱۰۵ -----
- ۸ - دوستی با افراد ضعیف ۱۰۷ -----
- اشاره ۱۰۷ -----
- سیر رشد عرفان ۱۰۷ -----
- ۹ - گناهان و انحرافهای گذشته ۱۰۹ -----
- ۱۰ - انزوا طلبی ۱۱۱ -----
- ۱۱ - کم آگاهی ۱۱۱ -----
- ۱۲ - انتقاد بی جا ۱۱۲ -----
- ۱۳ - توداری، رازداری ۱۱۲ -----
- درمان کمروبی در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام ۱۱۴ -----
- اشاره ۱۱۴ -----
- روشهای درمان ۱۱۴ -----
- اشاره ۱۱۵ -----
- روشهای منفی تربیتی ۱۱۶ -----
- اشاره ۱۱۶ -----
- ۱ - آفریدن مشکل جدید ۱۱۶ -----
- ۲ - تمسخر ۱۱۸ -----
- ۳ - انتقاد ۱۱۸ -----

- ۴ - لحن تند ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- توصیه به لحن آرام ۱۱۹
- تذکر ۱۱۹
- ۵ - مقایسه ۱۲۱
- ۶ - ترخم ۱۲۱
- ۷ - اجبار و تهدید ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
- آزادی ۱۲۴
- ۸ - محرومیت ۱۲۴
- روشهای درمان مفید کمروبی ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- ۱ - آگاه کردن فرد ۱۲۶
- ۲ - ارائه الگو و نمونه ۱۲۶
- ۳ - دادن میدان و فرصت بیشتر برای حرف زدن ۱۲۷
- ۴ - تلقین شهامت ۱۲۷
- ۵ - ایجاد اعتماد به نفس ۱۲۸
- ۶ - ایجاد روابط مناسب صحیح ۱۲۹
- ۷ - تغییر محیط ۱۲۹
- ۸ - اجراء مراسم همگانی ۱۲۹
- ۹ - مباحثه و قدرت مانور ۱۳۰
- درباره مرکز ۱۳۱

روانشناسی اسلامی: نجات از کمروئی (شناخت، ابعاد، آثار و درمان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حق جو، محمدحسین، - 1333

عنوان و نام پدیدآور : روانشناسی اسلامی: نجات از کمروئی (شناخت، ابعاد، آثار و درمان)/ محمدحسین حقجو

مشخصات نشر : [قم]: المهدی، 1374.

مشخصات ظاهری : ص 79

شابک : بها:2500ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : روانشناسی اسلامی

خجالت

اخلاق اسلامی

رده بندی کنگره : BP232/65/ح 9ر7

رده بندی دیویی : 297/485

شماره کتابشناسی ملی : م 75-8089

ص: 1

اشاره

روانشناسی اسلامی

نجات از کمرویی

(شناخت، ابعاد، آثار و درمان)

محمدحسین حقجو

ص: 1

سرآغاز نوشتار

خداوند توانا و دانا را شاکرم که توفیق داد، بخشی از وقت خود را در روزها و شبهای ماه مبارك رمضان به تنظیم یکی از مشکلات فراگیر نسل جوان اختصاص دهم.

حمد و سپاس خدای کریمی را که این بنده ناچیز را موفق به کاوش و تألیف اثر دیگری نمود تا در کمالجویی نسل جوان مؤثر افتد.

درود و سپاس فراوان بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام که در پرتو معارف طلایی بجا مانده از آنان به این اثر نورانیت و عظمت ویژه داد.

سلام بر جوانان عزیز ملت مسلمان و انقلابی که با ارسال نامه های فراوان و ارتباطات زیاد تلفنی و حضوری مرا با مشکلات خود بیش از پیش آشنا کرده و می کنند و تأکید بر تنظیم مطالبی در این راستا دارند.

رحمت و غفران الهی بر شهدا و بزرگان دین بویژه روح ملکوتی امام راحل قدس سره که در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی بینش فکری و روحی امت ایران را چنان پویا ساخت تا در تکاپوی حل مشکلات خود برآیند.

بارها در نامه ها، تلفن ها و مطالب حضوری افراد (پسر و یا دختران جوان) شاهد دست آورد آثار منفی حیا و خجالت بی مورد بوده ام تا آنجا که گاه منجر به انحراف، فساد و جنایت گردیده است.

چه بسا يك خجالت و شرم بی مورد آبروی خود، دیگران، دین را در معرض نابودی قرار داده و پس از مقداری گفتگو، اعتراف کرده اند ما نمی دانستیم.

بهر حال چه شرم و حیاهای بی جا که عفت و رشد يك فرد را برای همیشه در معرض نابودی قرار داده است و...

در این مجموعه با لطف و عنایت خدای متعال و مددجویی از حضرات معصومین علیهم السلام در نظر است به ابعاد کم رویی مثبت و منفی و آثار و عوامل آن پرداخته شود و در پایان هم راههای درمان عرضه گردیده است.

اگر چه کار انجام شده بطور طبیعی از نقص و عیب خالی نخواهد بود ولی امید دارم در پرتو نورانیت قرآن و کلمات حضرات معصومین علیهم السلام مفید نسل جوان واقع گردد.

این مباحث چند بار برای طلاب حوزه علمیه قم و مربیان گرامی آموزش و پرورش مطرح گردید و اکنون با تغییراتی گذرا به این صورت عرضه می گردد.

باشد که گامی گرچه کوتاه در یاری رسانی امت الهی بویژه نسل جوان برداشته باشم و ذخیره دیار ابدی گردد.

از تذکرات و پیشنهادهای عزیزان با آغوش باز استقبال می گردد.

حوزه علمیه قم

محمد حسین حق جو

رمضان 1416

برابر با ایام مبارك دهه فجر

صندوق پستی 844

ص: 3

مكتب مقدس اسلام، در امور روانشناسى، بحثهاى متعددى دارد كه اين مباحث جامع و بدون خطا هستند و مسائل روانشناسى از همه ابعاد مورد بحث و بررسى قرار گرفته اند.

در حاليكه مكاتب غربى، خالى از اشتباه، نسيان و غرض نيستند، تكيه بر اين منابع به تنهائى نيازهاى روانى انسان را برآورده نمى كند. مسلمين باتكيه بر منابع قرآن و سنت، داراى دريائى عظيم از علوم مى باشند كه در تمامى موارد، مى تواند راهگشاى آنان باشد.

در مورد روانشناسى حيا مثبت و كمروى و بى حيايى مباحث زيادى در اسلام مطرح شده است و در خلال اين مباحث اين نکته قابل ذكر است كه اسلام حياء مثبت را قبول دارد و آن را يك ارزش مى داند، بى حيايى و كمروى را نيز طرد کرده و آن را مانع پيشرفت انسان دانسته است.

بى حيايى نابجا براى انسان پيامدهاى ناگوارى در پى خواهد داشت و انسان را از راه راست منحرف خواهد كرد و سدى براى رشد و شكوفايى استعدادهاى انسان بشمار مى رود.

سؤالات

- 1 - مزايای روانشناسى را بيان نماييد؟
- 2 - چرا روانشناسى غربى، قابل اطمینان و دوام نيست؟
- 3 - چرا روايات و سنت نيز چون قرآن قابل تكيه كردن و دوام است؟
- 4 - ابعاد حياء را بنويسيد؟
- 5 - آيا حياء بى ضابطه قابل قبول است؟
- 6 - اسلام چه نوع حيايى را مى پسندد؟
- 7 - مرزهاى حياء را بيان كنيد؟
- 8 - بى حيايى چيست؟
- 9 - چند آثار اجتماعى از بى حيايى را ذكر فرماييد؟
- 10 - شيوع فحشاء چه خطراتى در اجتماع بجای مى گذارد؟

در راستای سلسله مباحث روانشناسی اسلامی بصورت ساده و روان، که در گذشته مطرح شده است (1) در این بخش به تجربه و تحلیل مباحث کمرویی و حیاء می پردازیم. سعی بر این است که در این کتاب مطالب به صورت ساده، روان و گویا مطرح شود و تا حد امکان از لغاتی که با فرهنگ عام جامعه، سازگاری ندارند کمتر استفاده گردد.

روان و ساده بیان کردن مباحث روانشناسی از آنجا حائز اهمیت است که همه اقشار، به هر میزان علم و سواد می توانند، از این مباحث بصورت کار بردی استفاده نمایند نکته دیگری که قابل تذکر است، این که مباحث روانشناسی که در این سلسله بحث ها مطرح می شود، مجموعه ای از بحث های روانشناسی در علم روز است که سعی شده است این بحث ها از نظر روانشناسی اسلامی مورد بررسی قرار گیرند و نقطه نظر اسلام در رابطه با زوایای بحث بازگو و بیان شوند.

اتکاء مادر مباحث روانشناسی اسلامی بر کلام وحی و روایات حضرات معصومین علیهم السلام می باشد، که ایشان مفسر کلام وحی می باشند و واسطه فیض بین خداوند و انسان هستند.

قرآن و مکتب فراگیر اسلام، در مباحث روانشناسی، همیشه به جوانب امر از بعدهای گوناگون دقت داشته و همیشه جلوتر از مکاتب روانشناسی گام برداشته است متأسفانه خلاء مهمی که در بحث های روانشناسی در مراکز گوناگون مشاهده می شود، این است که تکیه اکثر روانشناسان بر عقاید و افکار دانشمندان غرب و غیر دینی است که این نقطه نظرها، گاه از نظر اسلام مطرود است و بکارگیری این نظرات در تربیت نسل های اسلامی، و انقلابی جامعه ها اثرات مخرب برجای می گذارد که قابل تأمل است.

لذا باید سلسله بحث های روانشناسی، از دیدگاه مکتب اسلام بررسی شوند و در این راستا ملاک، عقاید اسلامی است و آنچه از مکاتب دیگر می گیریم، آن چیزی است که با اصل دین و شرع و عقل ما منافات نداشته باشد. ما بر این عقیده نیستیم که مرزهای عقیده و اندیشه و تفکر را بر نظرات دیگران مسدود نماییم.

بلکه این نظر مطرح است از علمی، سود ببریم که با مکتب ما سازگاری داشته باشد و نسل ها را افرادی غریزه، دور از دین و مذهب و بی اعتقاد به خداوند و فاسد پرورش ندهند، لذا در این مباحث تکیه بر متون اسلامی است و در کنار آن نقطه نظرهای دانشمندان روانشناس تا آنجا که با مباحث اسلامی سازگاری دارند به بحث کشیده شده است.

ص: 5

1- . اراده، اضطراب، بلوغ، حافظه، نیازمندی های نسل جوان، افسردگی که تا کنون مورد بحث قرار گرفته و بصورت نوارهای صوتی، تصویر و کتاب آماده عرضه می باشد

ولکن باز هم سعی شده مانور زیادی روی حرف های آنها ندهیم و نامی هم از آنان و آثار آنها بطور مشخص برده نشود ولی افکار آنان را ذکر خواهیم کرد.

مزایای مکتب اسلام

بدیهی است دانشمندان غربی، بدون اتکاء بر مکتبی الهی، مباحث را از راه علم و تجربه به انسانها ارائه می دهند، با توجه به اینکه این نظرات وابسته به رکنی وثیق و محکم نیست، لذا بعد از مدتی که تجربه شد، نقاط مثبت و ضعف آن جلوه می کند و گاه با رشد علمی، نظرات افراد، مطرود شناخته می شوند تأثیر پذیری انسان از این نقاط مثبت و منفی را نمی توان انکار کرد و اگر بخواهیم، نظراتی را که بر فردی مؤثر واقع شده و یا مضر بوده اند، رد کنیم، اثرات آن را به آسانی نمی توان از افکار و دامان بشریت پاک نمود.

از آنجا که مکتب اسلام، مکتبی الهی است و بر اساس وحی الهی و معجزه رسول الله اعظم صلی الله علیه و آله که قرآن می باشد، تدوین شده است، لذا خالی از اشکال و ایراد است. مدون کننده آن، خالق انسان است و به نیازهای درونی و روانی انسان آگاهی کامل دارد.

قرآن می فرماید:

«این قرآن کتابی است (با دلائل) محکم که از جانب خدای حکیم و آگاه بر حقایق عالم بسیار روشن بیان گردیده است».(1)

با توجه به اینکه آیات قرآن از طرف خداوند نازل شده است. لذا ابناء بشر نمی توانند مانند آن را بیاورند. با آنکه بارها خداوند در قرآن می فرماید:

«اگر شما را شکمی است در قرآنیکه ما بر بنده خود فرستادیم، پس يك سوره مانند آن بیاورید و آن را برگواهان خود بخوانید».(2)

و در آیه دیگر می فرماید:

«بگو ای پیامبر، اگر جن و انس، مجتمع و متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند، هرگز نمی توانند هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند».(3)

قرآن کتابی است که چنین معرفی شده است:

«این کتاب الهی قرآن عربی است که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست، باشد که مردم پرهیزکار شوند».(4)

ص: 6

1- . «الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ»؛ هود / 1

2- . «وان كنتم في ريب مما»؛ 23 / بقره.

3- . «قل لئن اجتمعت الجن و الانس»؛ 87 / اسراء

4- . «قرآناً عربياً غير ذي عوج»؛ 28 / زمر

اساس مکتب اسلام قرآنی محکم، بدون ایراد و اشکال از سوی خداوند حکیم و علیم نازل شده است.

بیان قرآن از زبان مفسرینی است که آنها نیز انسانهای الهی عادل و آگاهان جامع هستند و کلامشان از منبع وحی سرچشمه می گیرد و در حقیقت کلام و تفسیرشان، کلام خداست.

قرآن می فرماید:

«صاحب شما (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) هیچگاه در ضلالت و گمراهی نبوده است! و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید، سخن او هیچ چیز غیر از وحی خدا نیست. (1)»

بر همین اساس است که معارف قرآن و دستورات الهی هرگز کهنه و فرسوده نمی شوند و هیچگاه نظرات اسلام و قرآن مطرود نشده اند. بلکه پس از 14 قرن هنوز بسیاری از مفاهیم مکتب اسلام و دستورات روحبخش آن تفسیر و تبیین نشده است و هنوز بسیاری از احکام آن را علم روز درک ننموده است. قرآن بحری عظیم و عمیق است که هرچه بشر بیشتر به درون آن پیش رود باز به ژرفای آن نمی رسد و از کشف گنجینه معارف انسانی آن محروم است و هر کس به اندازه بنیه علمی و حکمت الهی که بدست آورده است می تواند از آن بهره گیرد.

و چنین است که اساس روانشناسی اسلامی بر پایه ای محکم و متقن استوار است، لذا باید در تمام ابعاد از منابع قرآن و سنت استفاده لازم صورت بگیرد تا بتوان به نتیجه کامل و جامعی دست یافت.

کمرویی، حیا

یکی از مباحث روانشناسی کمرویی می باشد که در زبان روایات اسلامی از کمرویی با واژه های خجالت، حیاء، حجب و «عفاف» نامبرده شده است.

کمرویی يك ویژگی و صفت برای انسان است. هر صفتی در انسان دارای ابعاد مختلف است.

کمرویی نیز چنین است. گاه کمرویی بعدی مثبت و سازنده دارد و لازمه رشد انسان است و گاه بعدی منفی دارد و یکی از موانع رشد و ترقی و عامل بازدارنده، انسان بشمار می رود. در نزد برخی عوام، حیاء و حجب بطور مطلق و بدون ضابطه امری پسندیده است و از آن بعنوان يك صفت برتر نام می برند و در نزد برخی دیگر، کمرویی صفتی مذموم است و اینان افراد پررو و بی حیایی مطلق را می پسندند. و آنان را افرادی جسور تلقی می نمایند.

هر دو نظر، از دیدگاه اسلام مطرود و مذموم است. اسلام حیاء مطلق و بی حیایی مطلق را قبول ندارد. بلکه برای هر يك شرایط و ضوابطی بیان فرموده است.

ص: 7

انسان باید بداند که چه نوع حیاء و کمروبی سازنده و عامل رشد است و چه نوع حیایی مطرود و مذموم است. آشنایی با ضوابط کمروبی، می تواند به انسان رشد و تعالی عنایت نماید.

انسان مؤمن باید صفات خود را بر اساس نظرات مکتب اسلام، آرایش و پیرایش دهد و رفتاری داشته باشد که مورد تایید اسلام و قرآن باشد.

اسلام و بی حیایی

در مکتب انسان ساز اسلام، قوانین و مقررات، یکجانبه نمی باشد. اسلام قانونی است که بر اساس نیاز بشر تدوین شده است، به امور از همه ابعادش، پرداخته است.

در اینجا که بحث حیاء مطرح است و کمروبی بحث می شود، باید مرزها شناخته شوند، شخص بتواند دریابد که حیاء مثبت یا منفی و بی حیایی و پرروبی مطلق، در اسلام چه جایگاهی دارد.

در مباحث آینده حیاء مثبت و منفی، بررسی و تحلیل می شود، ولی آنچه لازم به ذکر است این است که اسلام در برخی موارد حیاء را لازمه ایمان می داند و آن را بر مسلمان فرض و لازم می شمارد آنچه مسلم است بی حیایی برای انسان دستاوردهای خوبی به همراه ندارد، لذا انسان باید، با حیاء باشد و سعی کند پرده عفاف و حیاء را از بین نبرد.

مرز بی حیایی

لازم است به مرز بی حیایی اشاره ای گذرا داشته باشیم. بطور مثال:

اگر فرزندی به پدر یا مادر انتقاد کند، او را بی حیاء می دانند و یا اگر دانش آموزی به استاد حرفی خلاف رأی او بزند، او را دانش آموزی بی حیاء تلقی می کنند و به او تذکر می دهند که چه دنیایی شده است و بچه ها بی حیاء شده اند.

باید بدانیم اعتراض و انتقاد حق مسلم همه افراد است گاه فرزندان انسان به مطالب و علوم پی می برند که به درك اولیاء و مربیان نرسیده است.

جرات اعتراض کردن به فرزندان رشد و تعالی می بخشد و اولیاء و مربیان در برابر اعتراض سازنده باید روش برخورد صحیح داشته باشند، زیرا امر به معروف نیز چون نماز واجب است و روش صحیح این کار را باید از کودکی به فرزندان آموزش داد.

این امر نیز لازم است که روش انتقاد صحیح را به فرزندان یاد داد تا آنان به نیت اعتراض، مبادا دچار گناه بی احترامی به پدر و مادر و مربیان شوند. سخن اعتراض باید مؤدبانه، آرام، منطقی و صحیح باشد و در روش برخورد با دیگران باید کمال دقت و ملاحظه انجام گیرد تا مباد برای رسیدن به خیری انسان مرتکب گناه، کبیره ای شود.

امایی حیایی و جسارت در آنجاست که کلمات و حرف های رکیک و خلاف ادب مطرح شود و

در برابر ارتکاب گناه انسان احساس شرمساری نداشته باشد و از هیچ کاری که خلاف شرع، عرف، عقل و قانون باشد روی گردان نباشد.

آثار بی حیایی

اشاره

بی حیایی منفی و بی شرمی برای انسان آثار فردی و اجتماعی در پی دارد. زیرا اخلاق و روحیات انسان بعنوان فرد در يك اجتماع روی دیگران نیز تأثیر مثبت یا منفی دارد و این امر اجتناب ناپذیر است.

پندار، گفتار و رفتار انسان بیانگر شخصیت اوست و فرد بی حیاء اگر چه مردم بخاطر ضعف، نیاز و ترس از وی به او چیزی نگویند ولی در ذهن مردم فردی بی ارزش جلوه خواهد کرد، گاه ممکن است ملاحظه کاری موجب شود که افراد به او اعتراض نکنند ولی قطعاً دنبال زمینه هستند تا بتوانند این رفتار ناشایست او را جبران کنند.

1 - باعث شیوع گناهان می شود.

در اجتماع، اگر هر کس، هر کاری بخواهد انجام دهد و هر نوع دلش می خواهد زندگی کند، جامعه به هرج و مرج کشیده می شود.

اسلام با آزادی بی بندوبار غربی کاملاً مخالف است. لذا توصیه می کند، در ملاء عام، روزه نخورید، مرتکب خلاف نشوید، عمل منافی عفت انجام ندهید، حتی انجام گناه علنی افزایش جرم خواهد داشت، زیرا گناه علنی، باعث می شود که حیاء از بین مردم رخت بر بندد و هیچکس از ارتکاب آن شرمندگی نداشته باشد و همین عمل باعث فسق و فجور و خیانت در جامعه می شود. و عمل خداوند چنین کسانی را که در بین مردم گناه را شایع میسازند در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد کرد. (1)

2 - آبروی انسان را می برد.

برخی از اعمال موجب می شود، آبرو و شخصیت انسان از بین برود. گرچه غیبت در اسلام حرام است و جایز نیست، ولی یکی از موارد جواز غیبت، غیبت فاسق است.

فاسق کسی است که گناه را علنی انجام می دهد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید کسی که لباس حیاء را از تنش بیرون کند، غیبت او جایز است. (2)

غیبت در جایی حرام است که کسی گناهی را مخفی انجام دهد و دیگران آن را افشا کنند، ولی وقتی کسی گناهی را علنی انجام دهد که گناه جزء کبائر است و گناه استمرار در این صورت فاسق

ص: 9

1- «ان الذین یحبون ان تشیع»؛ 18 / نور

2- -- میزان الحکمة، ج 2، ص 570

است و غیبت او جایز می باشد و احترام از آبروی او در اینجا لازم نیست.

ولی اگر کسی از روی اشتباه، فراموشی، جهالت، اجبار و... گناهی مرتکب شود فاسق نیست و نباید از او غیبت کرد.

3 - کلید بدیهاست.

اگر انسان بی حیاء باشد از انجام هیچ امری گریزان نیست. لذا در روایت می خوانیم امام رضا علیه السلام فرمودند:

«اگر حیاء نداری، پس هر کاری که دلت می خواهد انجام بده».⁽¹⁾

اگر حیاء نباشد هر بدی و انحرافی در انتظار آدمی است. این حیاء مثبت است که امری سازنده و راهگشاست.

بی حیایی منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی، فردی، و اخلاقی است. اگر فردی بی حیاء شد، ارتکاب هر نوع جرم و گناهی برایش اشکالی به وجود نمی آورد و از آن نمی هراسد. بسیاری از مفاسد اخلاقی و جنسی در جوانان از بی حیایی سرچشمه می گیرد و این مفاسد جنسی آینده پاک جوانان را در معرض خطر و نابودی قرار می دهد.

ص: 10

چکیده مطالب

حیاء مثبت مورد مدح الهی است و یکی از صفات و خصوصیات مؤمن بشمار می رود، حیاء مثبت حیایی است که انسان را به کارهای خیر وادار کرده و از اعمال باطل و گناه باز می دارد.

حیاء مراتبی دارد که حیاء از خداوند بهترین آنهاست و خوب است انسان از خداوند حیاء کند و اعمال زشت و گناه را مرتکب نشود. حیاء از حضرات معصومین علیهم السلام حیاء از نفس، حیاء از مردم، حیا در مکان و زمانهای مقدّس مراتب دیگر حیاء هستند.

حیاء مثبت برای انسان آثاری بهمراه دارد. عبادت انسان، عبادتی واقعی می شود، انسان جزء صلحاء و..... قرار می گیرد. نور حکمت و خداشناسی در دل انسان جای می گیرد، موجب پاکدامنی انسان می شود، گناهان انسان مورد بخشش خداوند قرار می گیرد، عیبهای انسان پوشیده می شود و حیاء يك عامل بازدارنده از گناه است نجات انسان و سعادت دنیوی و اخروی او در گرو حیاء مثبت است.

سؤالات

- 1 - حیاء مثبت چه حیایی است؟
- 2 - چرا حیاء از نظر اسلام مدح شده است؟
- 3 - مراتب حیاء مثبت را شرح دهید؟
- 4 - بهترین نوع حیاء کدام است؟
- 5 - چرا حیاء از مردم نیز پسندیده است؟
- 6 - چند اثر از حیاء مثبت را نام ببرید؟
- 7 - چرا حیاء نور است؟
- 8 - معایب انسان با حیاء داری چگونه پوشیده می شود؟
- 9 - عفت و پاکدامنی چگونه در سایه حیاء بدست می آید؟
- 10 - چند نمونه از اجرای حیاء مثبت در مورد کودکان را بنویسید؟

حیاء مثبت

حیاء و خجالت مثبت در آنجاست که انسان از کردار خود احساس حیاء کند اگر گناهی انجام داد پشیمان شود و اگر حقوق کسی را ضایع کرد، توبه کند و از خداوند حیاء نماید.

ص: 11

حیاء در وجود همهٔ انسانهاست؛ انسان باید حیاء مثبت را شناخته و آن را در وجود خود بارور کند و رشد دهد تا حیاء به معرض شکوفایی و نمود برسد.

انسان برای سلامت ایمان، فکر، جسم، عفت و اندیشه هایش به حیاء نیازمند است و اگر انسان حیاء نداشته باشد، نمی تواند به کمالات فطری، علمی، اجتماعی و معنوی نائل شود.

مراتب حیاء مثبت

اشاره

از خصوصیات مؤمن این است که دارای صفت حیاء مثبت باشد. حیایی که به او رشد و تعالی بدهد حیاء انسان را به کارهای خیر رهنمود می کند و از کارهای باطل و گناه باز می دارد.

مراتب حیاء و ترك گناه متفاوت است و آثار معنوی و آثار وضعی آن هم با هم فرق می کند.

بهترین مرتبهٔ حیاء از خداوند است و درجات بعدی ثواب کمتری خواهد داشت. اما به هر حال هر مرتبه از حیاء که رعایت شود، پسندیده و مطلوب است.

1 - حیاء از خداوند

اشاره

اولین مرتبه حیاء مثبت، حیاء از خداوند است حیاء از خداوند باید انسان را از ارتکاب گناه باز دارد و از ترك دستورات الهی بدور دارد.

قرآن برای بیدار باش و تذکر به انسان گاه با توبیخ، گاه همراه با پرسش، گاه با لحن خطاب انسان را به تفکر وادار می کند. طی آیه ای در قرآن می خوانیم:

«آیا نمی دانید که خداوند شما را می بیند» (1).

انسان باید به یقین برسد که خداوند شاهد و ناظر اعمال اوست و اعمال انسان نزد خداوند محفوظ است. آیهٔ دیگری می فرماید:

«همانا ما از آنچه انجام می دهید، نسخه برداری (تصویر و صدابرداری) می کنیم» (2).

روایت می فرماید:

«بهترین حیاء، حیاء کردن از خداوند است» (3).

و در روایت دیگر می فرماید:

«حیاء کردن از خداوند، بسیاری از گناهان را محو می کند».(4)

ص: 12

1- . «الم يعلم بان الله يرى»؛ 14 / علق

2- . «انا كنا نستنسخ مما»؛ 29 / جاثیه

3- . میزان الحکمة، ج 2، ص 568

4- . میزان الحکمة، ج 2، ص 568

اکثر افرادی که به گناه گرفتار می شوند، در مکانهای خلوت، زمینه گناه بر ایشان پیش آمده است. وسوسه های شیطان در خلوتها بیشتر جلوه می کند. لذا علی علیه السلام در روایت می فرماید:

«در مکانهای خلوت، از گناه کردن بپرهیزید، زیرا شاهد و ناظر مکان خلوت که خداوند است در روز قیامت قضاوت خواهد کرد».(1)

چون در مکانهای خلوت انسان ممکن است بیشتر گناه کند، لذا علی علیه السلام به آن هشدار داده است، و الا خداوند در همه مکانها حضور دارد. قرآن می فرماید:

«بترسید که خدا بر همه چیز شما کاملاً گواه و آگاه است».(2)

اگر انسان بخواهد در خلوت گناه نکند باید گناه علنی را نیز ترک کند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اگر کسی می خواهد در مکانهای خلوت و مخفی گناه نکند. باید خودش را عادت دهد که در حضور افراد و آشکارا گناه نکند».(3)

یادآوری نعمات خداوند

بهترین حیا مثبت، حیا از خداوند و ذکر نعمات خداوند است. خداوندی که خالق انسان است و به او نعمات زیادی بخشیده است و همه عالم را برای وجود انسان خلق کرده است.(4)

انسان اگر سلامتی دارد، زیبایی دارد، قدرت جسمی، علمی دارد، از خداوند است و انسان فقیر است و به خداوند نیازمند می باشد(5) و خداست که بی نیاز است.(6)

انسان اگر مال و ثروت و موقعیت اجتماعی دارد، از نعمات خداوند است، زیرا خداوند می فرماید:

«مال و ثروت و فرزند، زینت حیا دنیا می باشد».(7)

و از نعمات دیگر الهی نعمت امنیت، امامت و رهبری، هدایت، زندگی راحت دنیاست. که اگر هر کدام از اینها دچار خدشه و خللی شوند، زندگی انسان در معرض خطر قرار می گیرد.

آب، غذا، حیوانات، زمین، آسمان، همه و همه در اختیار بشرند.

ص: 13

1- میزان الحکمة، ج 3، ص 456

2- «ان الله کان علی کل شیء شهیدا»؛ 55 / احزاب

- 3- . ميزان الحكمة، ج 3، ص 566
- 4- . «خلق لكم ما فى الارض جميعاً»؛ 29 / بقره
- 5- . «يا ايها الناس انتم الفقراء»؛ 15 / فاطر
- 6- . «اللّٰه الصمد»؛ 3 / توحيد
- 7- . «المال و البنون زينة الحياة»؛ 46 / كهف

آیا درست است انسان از اینهمه نعمت بهره برداری کند و شکر خدا را نگذارد و گناه کند. اگر روزی آب نباشد انسان چه می کند؟ (1)

اگر، ترس، گرسنگی، خسارت مالی و جانی و از بین رفتن محصولات کشاورزی بوسیله سیل، آتش، ملخ، آفت پیش آید، انسان چه خواهد کرد؟ (2) زیرا اینها نعمت الهی و وسیله آزمایش هستند.

اگر روزی خورشید سیاه شود، ستارگان فرو ریزند، کوهها به حرکت در آیند، شتران رم کرده و دریاها شعله ور شوند (3)، آیا انسان قادر است از این کارها جلوگیری کند.

اگر انسان دچار بیماری شود آیا قادر به سالم نمودن بدن خود هست؟ آیا اختیار گوارش، گردش خون، جنین، تولد، تکاثر، جنسیت انسان، بدست انسان است، یا قدرت دیگری اینها را رهبری می کند. پس در مقابل چنین قدرتی باید حیاء کرد و گناه نمود.

2 - حیاء از معصومین علیهم السلام

نوعی دیگر از حیاء مثبت آن است که انسان در جوار حضرات معصومین علیهم السلام و امامزاده ها از آنان حیاء کرده و گناه نکند. تا مدتی که در جوار آرامگاه این امامان و امامزادگان است، مرتکب خلاف نشود.

این حیاء، حیایی سازنده است و کم کم انسان را عادت می دهد که در مواقع معمولی نیز گناه نکند.

انسان باید باور کند که روح حضرات معصومین علیهم السلام در آرامگاهشان حضور دارد و بلکه در همه جاها و زمانها اعمال او را می بینند. انسان را می بینند و خطاهای او را می نگرند. مواظب باشد مزاحم کسی نشود، چشم چرانی نکند، حق دیگران را ضایع نکند و از حریم اهلیت علیهم السلام محافظت نماید و آنجا را با گناه آلوده نسازد. زیرا قبور ائمه علیهم السلام، زیارتگاه ملائکه، شهدا، صالحین و انبیای الهی می باشد.

علاوه بر اینکه اعمال انسانها را حضرات معصومین علیهم السلام دریافت می کنند چه در جوار مرقدشان یا در غیر آنها آگاهند، پس سعی کنند از گناهان پرهیز نمایند.

3 - حیاء در زمانهای خاص

گاهی برخی افراد در مواقع معمولی گناه می کنند ولی در ایام خاص چون دهه محرم، روز عاشورا، ماه مبارک رمضان، روزهای وفات ائمه علیهم السلام گناه نمی کنند و بخاطر این ایام حیاء می کنند.

این حیاء بسیار پسندیده است و انسان در مقابل آن مأجور است و آثار اجتماعی زیادی نیز دارد، به طوری که آمار جرایم در ماه مبارک رمضان، محرم، صفر، فاطمیه و... بسیار کم می شود.

ص: 14

2- . «ولنبلونكم بشيء من الخوف»؛ 155 / بقره

3- . آيات اول سوره تكوير

انسان باید خود را عادت بدهد که در این ایام اصلاً گناه نکند تا در ایام دیگر نیز موفق به ترك گناه شود.

4 - حياء از مردم

معمولاً افراد از گناه در برابر ديگران حياء مى کنند. اين امر بسيار خوبى است که انسان حداقل به احترام فرد يا افراد گناه نکند.

حياء از اولياء، استاد، دوست، همکلاسى، اقوام و فاميل، خوب است و انسان را تشويق به ترك گناه مى کند.

گناه علنى عقوبت بيشترى براى انسان در پى دارد. زيرا قبح گناه در نظر مردم از بين مى رود و گناه شيعه پيدا مى کند. قرآن پيرامون اشاعۀ فحشا مى فرمايد:

«آنآنکه دوست دارند که در ميان اهل ايمان کار منكرى را اشاعه دهند، براى آنها را در دنيا و آخرت عذاب دردناكى خواهد بود».(1)

وقتى گناه علنى نباشد و ديگران به آن آلوده نشوند توبۀ ايشان هم زودتر پذيرفته مى شود و جبران آن آسانتر است.

حياء از مردم و اينکه انسان احساس کند، ديگران او را مى بينند و گناه نکنند و از گناه در برابر مردم خجالت بکشد، کم کم انسان را عادت مى دهد، که خدا را نيز حاضر و ناظر اعمالش بدانند. و در روايت مى فرمايد:

«کسى که از مردم حياء نکند از خداوند هم حياء نمى کند».(2)

اگر انسان بواسطۀ خجالت از ديگرى، نماز بخواند، روزه بگيرد، چادر سر کند، مسجد برود، گرچه عملش رياءى است ولى، همين عمل رياءى گاه موجب نجات او مى شود و همينقدر که انسان از ديگران حياء کند و گناه نکند، امرى پسنديده است.

5 - حياء از عيوب و گناهان

در روايت مى فرمايد:

بهترين حياء اين است که انسان از نفس خود خجالت بکشد.(3) هر فرد به نفس خود بصير است و مى داند که چه اعمالى انجام داده است لذا قرآن مى فرمايد:

«بلکه انسان خود بر نيك و بد خویش بخوبى آگاهست».(4)

ص: 15

1- «ان الذين يحبون ان تشيع»؛ 18 / نور

2- من لم يستحيى الناس لم يستحيى من الله

3- ميزان الحكمه، ج 2، ص 569

4- «بل الانسان على نفسه بصيره»؛ 14 / قيامت

و در آیه دیگر می فرماید در روز قیامت خداوند به انسان می فرماید:

«کتاب اعمال را بخوان که خود تنها برای رسیدگی به اعمال خویش کافی هستی» (1).

انسان خود می داند که چه اعمالی مرتکب شده است لذا بهترین حیاء این است که از عیوب و گناهان شرمسار شود و استغفار کند.

گناهان بزرگ

با آنکه خداوند غفار است و بارها در قرآن به این مسئله اشاره فرموده است ولی برخی از روحيات انسان است که موجب می شود گناهان او بخشیده نشود، هر چند گناه کوچک باشد پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«بزرگترین گناهان آن است که انسان گناه را کوچک بشمارد و بی اهمیت تلقی کند» (2).

اگر انسان نسبت به گناهان کوچک بی توجه باشد، و آنها را تکرار کند و توبه نکند، تکرار گناه صغیره (کوچک)، زمینه ارتکاب گناه کبیره است و برای گناه کبیره عذابهایی خاصی در نظر گرفته شده است.

اگر کسی دروغی بگوید، نگاهی به نامحرم کند، نمازش را اهمیت ندهد و بگوید، اینها که گناهی نیست، من قلبم پاک است، این فکر خطرناک است. ناچیز شمردن گناه خطر آفرین است و گناه صغیره زمینه گناه کبیره را باز می کند و کسی که اصرار بر گناه صغیره داشته باشد و توبه نکند به نظر علمای علم اخلاق یکی از راههای کبیره شدن گناه صغیره اصرار بر آن گناه است.

کسی که می خواهد گناه کبیره نکند باید از گناهان کوچک پرهیز کند و گناهان کوچک را بی اهمیت تلقی نکند.

انسان اگر گناهی انجام می دهد، باید در صدد جبران و توبه باشد و سعی کند، گناه را تکرار نکند.

در مباحث شرعی هم فرق جاهل قاصر و مقصّر فراوان است. جاهل قاصر را خداوند، زودتر مورد عفو قرار می دهد و می فرماید:

«خداوند بر خود رحمت و مهربانی را فرض نمود که هر کس از شما کار زشتی را از روی نادانی و جهالت انجام دهد و بعد از آن توبه کرده و کار خود را اصلاح کند، البته خداوند بخشنده و مهربان است» (3).

اما کسی که از روی آگاهی و شناخت مرتکب گناه می شود گناهِش دیرتر بخشیده می شود و توبه اش دیرتر مورد قبول واقع می گردد.

ص: 16

1- «اقرأ كتابك كفى بنفسك»؛ 14 / اسراء

2- میزان الحکمة، ج 3، ص 452

3- «کتب ربکم علی نفسه الرحمة انه من عمل»؛ 54 / انعام

اشاره

حیاء مثبت برای انسان، دستاوردهایی را بهمراه دارد، شناختن این نعمات الهی که در کنار حیاء به دست انسان می رسد، انسان را نسبت به آنچه باید از آن حیاء کند، آگاهتر می کند و ندای وجدان انسان را بیدار می نماید.

حیاء مثبت جلوه گاه و منشأ بسیاری از صفات حسنه است.

1 - عبادت واقعی می شود.

اگر انسان گناهی مرتکب شود و از اعمال خود خجالت نکشد، و خدا را عبادت کند عبادت واقعی انجام نداده است روایت می فرماید:

«کسی که از عیب خود خجالت نکشد و احساس شرم نکند، و نسبت به خدا خشوع داشته باشد، در او خیری نیست» (1).

اگر انسان حیاء کند، عبادت او هم معنا پیدا می کند. انسان باید بداند که چه اعمالی مرتکب می شود و روزی برای این اعمال باید مجازات شود. لذا حیاء از اعمال زشت، عبادت را جان می بخشد و رحمت خداوند را به جوش می آورد و خداوند می فرماید:

«از رحمت خدا نا امید نشوید» (2).

اما اگر انسان اعمال زشتی انجام دهد و در کنار آن بدون حیاء و شرمساری عبادت انجام دهد، از عبادت خود خیری نمی بیند.

انجام عبادات حاکی از نیروی ایمان انسان است و ایمان در پرتو حیاء داری جلوه پیدا می کند، اگر حیاء قدرت یابد ایمان نمای بیشتری پیدا می کند و در نتیجه اعمال انسان از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

اینکه انسان، در هنگام انجام نماز تمرکز، توجه، دقت و تضرع پیدا می کند بیانگر حیا داری فراوان او است وگرنه اجباری به خواندن نماز ندارد و اگر هم اجبار داشته باشد می تواند بدون شرایط معنوی نماز بخواند و فقط به حرکات ظاهری نماز بسنده کند.

2 - جزء صلحاء و اولیاء است

حیاء مثبت از صفات اولیاء الهی است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: 17

1- . میزان الحکمة، ج 2، ص 567

2- . «ولا تیلسوا من روح الله»؛ 87 / یوسف

«حیاء و پاکی بر شما باد. زیرا این سیره و مرام زندگی صلحاء و اولیاء بوده است».(1)

دقت در امور شرعی و پاک کردن زندگی از گناهان و حیاء از خدا انسان را از صالحین قرار می دهد و وظیفه هر انسان این است که خود را پاک گرداند. روایت می فرماید:

«خود را محاسبه کنید قبل از آنکه شما را محاسبه نمایند».(2)

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زیرک ترین، زیرکان کسی است که خود را محاسبه کند و برای روز قیامت کار کند و احمق ترین احمقان کسی است که دنبال هوای نفس برود».(3)

اگر انسان بداند اعمالی که انجام می دهد مراقبین فراوانی دارد و این مراقبین روز قیامت بر اعمال او گواهی می دهند، بر رفتار و اعمال خود دقت بیشتری دارد.

3 - گواهان اعمال فراوانند:

1 - خداوند بر اعمال انسان مراقبت می کند.(4)

2 - دو ملك بنامهای رقیب و عتید اعمال انسان را مراقبت می کنند.(5)

3 - پیامبر، اولیاء الهی و شهدا بر اعمال انسان شاهد هستند.(6)

4 - اعضای بدن بر اعمال انسان شهادت می دهند.(7)

5 - زمین و اشیاء اطراف انسان شهادت می دهند.(8)

از خصوصیات صلحاء و اولیاء است که از گناه خجالت می کشند و حیاء دارند و در برابر ارزشها دقت می ورزند. اولیاء الهی و معصومین علیهم السلام نه تنها گناه نمی کردند، فکر گناه را هم در سر نمی پروراندند.

امام راحل (ره) بارها می فرمودند، عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید.

اینجا حیاء مثبت و رشد آفرین است. زیرا انسان در حال نماز می داند، خداوند، زمین، آسمان، ملائک، اولیاء، او را می بینند، در این حالت در نماز با توجه خواهد بود.

انسان باید ناظران بر اعمال را باور داشته باشد و در تمام اعمال از یاد خداوند غافل نشود، تا در نتیجه جزء آن صلحاء و اولیاء الهی باشد که قرآن می فرماید:

- 1- . ميزان الحكمة، ج 2 ص 567
- 2- . حاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا، مصباح الشريعة، ص 84
- 3- . سفينة البحار، ج 1، ص 250
- 4- . «ان الله كان عليكم رقيبا»؛ 1 / نساء
- 5- . «الا لديه رقيب عتيد»؛ 18 / ق
- 6- . «ليكون الرسول شهيدا»؛ 78 / حج
- 7- . وقالوا الجنودهم لم شهدتم، 21 فصلت
- 8- . «يومئذ يصد الناس جميعا»؛ 6 / زلزال

«بدانید که برای اولیاء خداوند هیچ بیم و اندوهی نخواهد بود».(1)

3 - نور حیاء، نور خدانشاسی و توحید است

از نظر روایات حیاء نور است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«حیاء نور است».(2)

کسی که حیاء دارد نور دارد. نور برای انسان نقش تعیین کننده دارد وقتی نور باشد انسان راه را تشخیص می دهد، اشیاء، خوب و بد را تمیز داده و افراد را می شناسند. اگر نور نباشد، چیزی دیده نمی شود، طلا از سنگ شناخته نشده و اسکناس را از کاغذ نمی شود جدا کرد. این نور است که به انسان قدرت شناخت می دهد.

وقتی در وجود کسی نور باشد، درجه ایمان، و تقوا و زهد او مشخص می شود. ایمان و پرهیزکاری بوسیله شناخت ارزشها و ضد ارزشها توسط نور، در وجود انسان به وجود می آید.

حیاء موجب بروز قدرت ایمان می شود و کسی که حیاء نداشته باشد، از توحید و خدانشاسی و معرفت الهی محروم خواهد شد.

کسی که حیاء نداشته باشد، از برکات بزرگ الهی محروم است و به حقیقت دین دست نمی یابد و کسی که ایمان نداشته باشد و به نور توحید منور نباشد، اعمالش ارزشی نخواهد داشت و اکثر اعمال او همراه با لغزش و انحراف است.

4 - حیاء موجب پاکدامنی می شود.

از جمله آثار حیاء مثبت عفت و پاکدامنی می باشد.

علی علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«اگر کسی می خواهد عقیف و پاکدامن بماند، باید حیاء داشته باشد».(3)

بسیاری از جوانان که با حیاء بودند عقیف ماندند و بسیاری از آنان که بی حیاء بودند، معمولاً پاك نماندند و منحرف شدند و به فساد و تباهی افتادند.

اگر حیاء مثبت از جامعه برداشته شود و جوان پرر شود و از گناه نهراسد و روابط منحرف را زشت نداند، جامعه کم کم در تباهی و سقوط پیش خواهد رفت.

اسلام آنقدر به حفظ حیاء و عفاف در خانه توجه دارد که از ذکر توصیه های انسانساز دریغ نورزیده و راجع به خصوصیات و ویژگی روابط والدین در رابطه با بچه ها مطالبی را ذکر فرموده

1- . «الان اولياء الله لا خوف»؛ 62 / يونس

2- . ميزان الحكمة، ج 2، ص 562

3- . ميزان الحكمة، ج 2، ص 564

است از جمله این است، پدر و مادر در اتاقی که طفلی در آن حتی خوابیده باشد، با هم نباشند زیرا فرزند زناکار می شود.

پسر در حمام زنانه و دختر در حمام مردانه برده نشود. حتی والدین بعد از سه سالگی مادر پسر را حمام نبرد و پدر دختر را نشوید. زیرا تماس جنسی در این دوران احساسهای خفته کودکان را بیدار کرده و آنان را با بلوغ زودرس مواجه می کند. (1)

کودکان در يك رختخواب نباشند. رختخواب کودکان از هم جدا باشد. خواهر و برادر با هم حمام نروند، هر چند زیر سنین 5 سال باشند. زیرا كودك از این دیدارها بعدها سوء استفاده خواهد کرد و مناظر نامربوط او را به انحراف خواهد کشید.

بهر حال در هر مورد باید به توصیه های مکتب اسلام دقت شود، و لازم است آگاهی خانواده نسبت به این موضوعات با مطالعه بیشتر بالا رود.

پرده حیاء باید پاره نشود و گناه بین مردم شایع نگردد، زیرا هر گاه چنین شد، ایمانها سست شده و پرتو نور خداشناسی در قلوب مردم کمرنگ می شود و جامعه به تباهی و بدبختی می رسد.

5 - حیاء موجب بخشش گناه می شود

یکی از آثار حیاء مثبت این است که وقتی انسان، از خداوند شرم کند و اعمال خود را فراموش نکند و بخاطر ارتکاب گناه شرمگین باشد، خداوند گناهان او را می بخشد.

علی علیه السلام طی روایتی می فرماید:

«کسی که از خدای مهربان حیاء کند، خدا بسیاری از لغزشهای او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد و گناهان او را محو می کند». (2)

و امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«خداوند مورد رحمت و لطف خود قرار می دهد، کسی را که حق حیاء الهی را رعایت کند». (3)

حیاء آن است که انسان خود را در محضر خدا ببیند، تمام افعال، حرکات، اقوال، دیدارها و راه رفتن، خوردن و خوابیدن خود را در محضر خدا حس کند. احساس او این باشد که خداوند او را می بیند و اعمال و رفتار او را زیر نظر دارد. در این حالت انسان سعی می کند کاری کند که گناه نباشد و در عین حال اگر گناهی هم انجام داد، وقتی شرمگین شد و دلش شکست خدای متعال او را می بخشد.

ص: 20

1- توضیح بیشتر را در جلوه ها و زمینه های بلوغ اثر دیگر مولف مطالعه کنید

2- میزان الحکمة، ج 2، ص 568

3- میزان الحکمة، ج 2، ص 568.

یکی از جلوه های شرم از خدا توبه است، که انسان به آن دعوت شده است، گناه هر چه باشد، جبران و توبه ای دارد و خداوند توبه گنهکاران را می پذیرد، قرآن می فرماید:

«خداوند توبه را از بندگان خود می پذیرد».(1)

انسان باید به روشهای توبه و راههای جبران گناهان آشنا شود، که این خود بحث مفصل و جداگانه ای را می طلبد.

اگر انسان مراقب اعمال خود باشد، در دام شیطان و عمل ریا نیز نمی افتد. شیطان برای کارهای خوب انسان وسوسه های فریب انگیز زیاد دارد و سعی دارد انسان موفق به انجام عمل صالحی نشود و اگر هم کارخیری انجام داد با ریا آن را باطل می کند. خوب است انسان اگر عملی انجام می دهد فقط مقصدش خدا باشد و از ریا پرهیزد زیرا هر چه بنده خدا انسان را تشویق کند، در برابر تشویق خداوندی ارزش است و انسان باید مطمئن باشد که اگر در عمل غیر از خدا چیزی در نظرش باشد و عمل را برای خوش آمد کسی انجام دهد، عملش ریایی بوده و مورد قبول خدا واقع نمی شود و او در حقیقت راهی را رفته، که شیطان در نظرش بوده است. قرآن کریم می فرماید:

«شیطان گفت: خدایا به عزت و جلال تو سوگند که من تمام بندگان تو را اغوا و گمراه می کنم مگر بندگان که در عبادت خالص باشند».(2)

6 - حیاء عامل بازدارنده است

یکی از آثار حیاء این است که انسان را از ارتکاب کارهای خلاف باز می دارد.

امام رضا علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

«اگر حیاء نداری، پس هر کاری که دلت می خواهد انجام بده».(3)

مقصود این است که اگر انسانی حیاء نداشته باشد از هیچ کاری روی گردان نیست و خیلی از کارهای منفی را بدون هیچگونه نگرانی و اضطراب انجام می دهد.

اما حیاء عامل بازدارنده انسان از گناه و عمل خلاف است. حیاء از خدا، پدر، مادر، همسایه، همسر، دوست و... باعث می شود که در رابطه با آنها انسان دچار خلاف و اسائه ادب نشود. و اگر حیاء نباشد، انسان گناهان زیادی انجام خواهد داد و این گناهان موجب رسوایی در دنیا و آخرت خواهد شد.

7 - حیاء عیبهای انسان را می پوشاند

ص: 21

1- «ان الله يقبل التوبه عن عباده»؛ 104 / توبه

2- «قال فبعزتك»؛ 82 / ص

کسی که دارای حیاء مثبت است، عیبهایش از نظر مردم مخفی و پوشیده خواهد ماند. علی علیه السلام در روایتی می فرماید:

«کسی که با حیاء باشد، عیبهایش از دید مردم پنهان می ماند».(1)

هر کس در زندگی فردی و اجتماعی خود عیوبی دارد، پوشش این عیوب در پرتو، روحیات و رفتار انسان است و خود انسان موجب می شود که برخی از عیوبش بواسطه برخی از روحیاتش بر مردم روشن و آشکار شود.

البته حفظ عیوب دیگران از اخلاقیات اسلامی است و از صفات خداوند این است که ستار العیوب است.

اما گاهی انسان، خود باعث کشف عیوب اخلاقی خویش توسط دیگران می شود.

8 - حیاء کلید خوببهاست

یکی از آثار حیاء مثبت این است که کلیه خیرها به انسان رو می کنند. علی علیه السلام می فرماید:

«حیاء کلید هر خیر و نیکی است».(2)

انسان اگر با حیاء باشد، حیاء زمینه سازندگیها و ارزشهاست، حیاء مثبت انسان را از گناه باز می دارد و همین کار موجب می شود انسان بسوی پاکدامنی و امور خیر کشیده شود، حیاء برای انسان نور است و ارزش به وجود می آورد.

9 - پیروی از دستورات دین است

کسی که با حیاء است، مؤمن واقعی است. زیرا از جمله احکام شریعت اسلام حیاء می باشد.

روایت می فرماید:

«به درستی که حیاء از شرایع اسلام است».(3)

و روایت دیگری می فرماید:

«حیاء فرد از نفس خود، ثمره ایمان است».(4)

اگر کسی بخاطر تبعیت از هوای نفس بخود آید و شرمگین شود و از خدا حیاء کند، نشانه ایمان و موجب رشد اوست.

ص: 22

1- . میزان الحکمة، ج 2 ص 563

2- . میزان الحکمة، ج 2، ص 562

3- . میزان الحکمة، ج 2، ص 563

چکیده مطالب

یکی از ابعاد حیاء صفت کمرویی یا خجالت و شرم بی مورد است. این صفت عامل بازدارنده است و انسانهای خجالتی در جامعه نمی توانند از رشد کافی و قابل توجهی برخوردار باشند.

کمرویی يك عامل بازدارنده از موفقیتها بشمار می رود و برای افراد مبتلا به کمرویی عواقبی در پی دارد.

کمرویی بر خصوصیات اخلاقی و جسمی انسان مؤثر است و آثاری که بر جا می گذارد اجتناب ناپذیر است، شناخت این آثار جسمی به انسان کمک می کند که به کمرویی بعنوان يك ضد ارزش بنگردد و با آن مبارزه کند.

آثار اجتماعی کمرویی فراوان است و فرد کمرو در اجتماع با عواقبی چون زیان اقتصادی، عدم قدرت دفاع از حق، افت شخصیت اجتماعی، جهالت و نادانی، رکود علمی، مشکلات عقیدتی، خانوادگی دینی و شرعی، رفتاری و... دست به گریبان خواهد بود. آثار اجتماعی کمرویی فراوان است و برای از بین بردن این عواقب لازم است، با کمرویی مبارزه شود.

سؤالات

- 1 - در چه مواردی کمرویی صحیح نیست؟
- 2 - کمرویی بر جسم انسان چه آثاری بر جای می گذارد؟
- 3 - ارتباط اجتماعی افراد کمرو چگونه است؟
- 4 - چرا انسان کمرو دچار زیان اقتصادی می شود؟
- 5 - چرا کمرویی شخصیت انسان را از بین می برد؟
- 6 - انسان کمرو چرا در جهالت و نادانی می ماند؟
- 7 - چرا برای افراد کمرو رکود علمی پیش می آید؟
- 8 - مشکلاتی که از نظر فکری، فرد کمرو را تهدید می کند چیست؟
- 9 - چرا فرد کمرو دچار انحراف و روابط نامشروع می شود؟
- 10 - پناهگاههای مناسب يك جوان را نام برید؟

اشاره

ابتدا لازم است مرزهای حیاء منفی شناخته شود. در برخی موارد، نباید انسان حیاء کند و خجالت در این موارد برای انسان تبعاتی ناروا را بدنبال دارد.

ص: 23

حیاء مذموم انسان را از کلیه خیرها باز می‌دارد و زمینه سازگناه و کارهای باطل می‌شود.

1 - پذیرایی میهمان

اشاره

یکی از مواردی که انسان نباید شرم کند، در پذیرایی از میهمان است. علی علیه السلام طی روایتی می‌فرماید:

«در سه مورد حیاء درست نیست: 1 - خدمت به میهمان، حیاء ندارد. (1)»

در مکتب اسلام پیرامون مهمان‌نوازی سفارشات فراوانی شده است. اگر برای مسلمان میهمان بیاید، این میهمان حقوقی بر گردن صاحبخانه دارد و صاحبخانه باید از نظر احترام و تأمین نیازهای مادی، معنوی و شرعی میهمان را در توان و مطابق با شرایط شرعی تأمین کند و احساس هیچگونه خجالت و شرمندگی نکند. هر چند میهمان فردی عادی باشد و میزبان از نظر علمی، شهرت، مقام، ثروت و موقعیت اجتماعی در سطح بالایی باشد. حتی از میهمان کافر نیز انسان باید پذیرایی کند. (2)»

پیرامون پذیرایی از میهمان و آداب آن، بحث مفصل است و در تاریخ اسلام خاطرات فراوانی در این مورد پیرامون سیره عملی ائمه علیهم السلام درج شده است.

حفظ حدود شرعی

آنچه در آداب پذیرایی مطرح است، موارد گوناگونی می‌باشد که از نظر شرع مقدّس اسلام، به آن اشاره شده است. در پذیرایی از میهمان نباید حدود شرعی زیر پا گذاشته شود.

پرهیز از اسراف

آنچه در میهمانی، باید رعایت شود و در پذیرایی مورد نظر قرار گیرد این است که نباید اسراف شود و قرآن می‌فرماید:

«بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید». (3)»

پذیرایی بدون زحمت

میهمان نباید برای صاحبخانه ایجاد زحمت کند و صاحبخانه برای پذیرایی از او به زحمت بیفتد، علی علیه السلام می‌فرماید:

- 1- . ميزان الحكمة، ج 2، ص 570
- 2- . اكرم الصئيف ولو كان كافرا
- 3- . «كلوا واشربوا ولا تسرفوا»؛ 31 / اعراف

«بدترین دوستان، آنهایی هستند که برای پذیرایی انسان را در زحمت بیندازند».(1)

پذیرایی باید ساده و بدور از تجملات و مخارج اضافی باشد، تا ادامه دوستی و میهمانی امکان پذیر باشد.

پرهیز از گناه

در پذیرایی نباید از غذاهای حرام و مشروبات حرام استفاده شود و یا به میهمان غذای نجس داده شود. غذا باید در حدود شرعی و بهداشتی تهیه و مصرف شود.

از اختلاط زن و مرد در میهمانیها، باید جداً پرهیز شود و جلسه میهمانی آلوده به گناه نگردد، بسیاری از مفاسد و انحرافات از مجالس میهمانی سرچشمه می گیرد.

2 و 3 - احترام به پدر و استاد

اشاره

در روایتی علی علیه السلام فرمودند:

«در سه مورد حیاء درست نیست، احترام به میهمان و دو مورد دیگر آن است که انسان اگر در مجلسی نشسته است و پدر و مادر و معلمی وارد می شوند، از جا بلند شود و احترام نماید».(2)

در مورد احترام به پدر و استاد حیاء جایی ندارد و سفارش شده است(3) که انسان به اینان احترام نماید و از هر گونه احترام کوتاهی نکند و در اینجا کمرویی و خجالت پسندیده نیست.

در روایتی می خوانیم:

انسان سه پدر دارد: 1 - پدر انسان، 2 - معلم انسان، 3 - پدر همسر انسان.(4)

این سه نفر حکم پدر دارند و باید احترام شوند و انسان در احترام به آنها نباید کوتاهی و مسامحه نماید.

احترام به والدین

در اسلام پیرامون حقوق والدین، سفارش زیادی شده است. انسان وظیفه دارد به اولیاء خود احترام بگذارد قرآن می فرماید:

«و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید.

- 1- . نهج البلاغه كلمات قصار، شماره 471
- 2- . ميزان الحكمة، ج 2 ص 570
- 3- . توضیح بیشتر در کتاب اخلاق زندگی، ج 2، اثر دیگر مولف
- 4- . اب ولدك، اب علمك، اب زوجك

و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند، کلمه ای که آنها را برنجانند، نگوید و کمترین آزاری به آنها نرسانید و با آنان به اکرام و احترام سخن گوید» (1).

در مورد اکرام و احترام به پدر و مادر انسان نباید خجالت بکشد و کوچکترین بی احترامی که اف باشد، نسبت به آنان روا ندارد و آنها را آزار نرساند.

در آیه دیگر می فرماید:

«همیشه پروبال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزد آنها بگستران» (2).

در مقابل پدر و مادر باید تواضع داشت. بی احترامی به والدین و عاق شدن آنها انسان را از نعمات دنیوی و معنوی محروم می سازد و انسان رستگار نمی شود.

این نکته قابل ذکر است که اطاعت از پدر و مادر، در مسیر گناه و شرک نباید باشد و در این صورت از آنها نباید اطاعت کرد (3).

احترام به استاد

استاد حق بزرگی به گردن انسان دارد. علی علیه السلام می فرماید:

«کسی که حرفی به من بیاموزد، مرا عبد خود قرار داده است» (4).

انسان هر چه رشد علمی، اجتماعی، دارد از زحمات استاد و معلم اوست. لذا استاد نیز چون پدر حق احترام دارد و انسان باید تا می تواند نسبت به استاد، ابراز محبت کند و از ابراز محبت خجالت نکشد و شرم ننماید. زیرا در این مورد حیاء پسندیده نیست.

4 - آموختن علم

از جمله مواردی که انسان نباید حیاء کند، در جایی است که انسان نسبت به چیزی جاهل باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«شخص جاهل نباید در راه دانستن و تعلّم حیاء کند و خجالت بکشد» (5).

انسان باید هر چه نمی داند، بگوید نمی دانم و بپرسد، تحقیق و جستجو کند تا به جواب دست یابد. اگر از سؤال حضوری خجالت می کشد بوسیله تلفن، نامه، اسم مستعار، سؤالش را بپرسد و جواب بگیرد. هر فردی که آگاه باشد باید از او سؤال شود هر چند آن شخص آگاه از انسان

- 1- . «وقضى ربك ألا تعبدوا»؛ 23 / اسراء
- 2- . «واخفض لهما جناح الذل»؛ 24 / اسراء
- 3- . «وان جاء هداك لتشرك»؛ 8 / عنكبوت
- 4- . من علمنى حرفا فقد صيرنى عبدا
- 5- . لا استحيى الجاهل اذا لم يعلم ان يتعلم (منية المرید)

کوچکتر بوده، یا فرزند انسان یا دانش آموز انسان باشد. علم را باید فرا گرفت هر چند طلب کردن علم مساوی با تحمل زحمت و سؤال از افراد متعدد باشد و اگر چه انسان از نظر علمی، اجتماعی، مقام و ثروت در سطح بالایی باشد، ولی گاهی افرادی حکیم و ساده هستند که برای فراگیری علوم باید به آنها مراجعه کرد.

کمرویی منفی

چنانکه بیان شد، کمرویی یک صفت است گاه کمرویی مثبت است و گاه منفی می باشد. کمرویی منفی، اثراتی منفی بر انسان میگذارد و انسان را با مشکلات اجتماعی فراوانی روبرو می کند. از کمرویی منفی، بعنوان خجالت و شرم نیز تعبیر شده است. معمولاً انسانهای خجالتی نمی توانند در جامع بروز و نمو داشته باشند و اکثر این افراد، در جامعه نقش مؤثر و کاربردی ندارند و کمرویی بعنوان یک عامل بازدارنده از موفقیتها مطرح است و یکی از مشکلاتی است که معمولاً در بین نسل جوان، وجود دارد.

لازم است در ابتدای بحث به آثار کمرویی و خجالت، نگاهی گذرا داشته باشیم.

آثار فردی

اشاره

انسان دارای هر روحیه و اخلاقی که باشد از نظر فردی، این روحیات در اعمال و رفتار انسان تأثیر می گذارند. کمرویی نیز در افراد آثاری بهمراه دارد و اغلب افراد کمرو از چنین حالتی گلیه و شکایت دارند و یا اولیاء از رفتار فرزندان کمرو و خجالتی خود، در رنج و عذاب هستند.

هر کدام از این روحیات و آثار کمرویی می تواند انسان را دچار مشکلات زیستی کند و بر زندگی انسان تأثیر منفی بگذارد.

شناخت آثار کمرویی از آنجا اهمیت دارد که انسان می تواند با شناخت این آثار سعی کند تا کمرویی منفی را از خود دور سازد و کمرویی را بعنوان یک ضد ارزش و ضد رشد تلقی نماید. و لازم است در این جا به برخی آثار جسمی کم رویی اشاره شود:

1 - ضربان قلب

معمولاً افراد کمرو در ارتباط و برخورد با دیگران دچار عارضه افزایش تپش قلب می شوند.

تپش قلب خود منشأ بسیاری از بیماریهای قلبی و عروقی می تواند باشد.

2 - عوض شدن رنگ

معمولاً افراد کمرو در برخورد با دیگران دچار رنگ پریدگی و یا برافروختگی رنگ چهره می گردند.

گاهی تا فردی را می بینند و می خواهند حرفی بزنند، رنگشان می پرد و یا در مواقعی بسیار سرخ می شوند

که این تغییر رنگ چهره در آنها بسیار مشهود است و توان رابطه مثبت و سالم از آنها سلب می شود.

3 - اختلال در ریتم تنفسی

افراد کمرو در برخورد با دیگران نمی توانند، درست تنفس کنند و گاه احساس خفگی و لرزش در تنفس دارند.

4 - لرزش

بدن افراد کمرو اغلب دچار لرزش و رعشه می شود و آنها را با اسپاسم عضلانی روبرو می کند.

بدنشان می لرزد و این لرزش بسیار محسوس است.

5 - تغییر تن صدا

تن صدا در افراد کمرو لرزش دارد و آنها برای اداء کلمات با مشکل مواجه هستند، آهسته و غیر طبیعی حرف می زنند و صدایشان در حین حرف زدن می لرزد.

6 - لکنت زبان

از جمله اختلالات گویایی در افراد کمرو لکنت زبان است، بریده سخن می گویند و نمی توانند مطلب را بخوبی ادا کنند.

7 - گریه

یکی از خصوصیات افراد کمرو این است که زود به گریه می افتند. در مقابل اعتراض، تهدید و یا خشم دیگران به گریه می کنند و یا در مواقعی که مجبور به انجام کاری شوند، با گریه این کار را انجام می دهند.

8 - اتکا به آشنایان

اغلب افراد کمرو از غریبه ها گریزان هستند و دوست دارند بیشتر با افراد آشنا، در آمد و شد باشند که از بسیاری تجربه ها و دانش ها محروم می گردند. با دیگران ارتباط برقرار نمی کنند و اغلب بچه های کمرو کنار اولیاء و یا پشت سر آنها واقع می شوند و به طرف افراد غریبه نمی روند.

9 - ارتباط با افراد کوچکتر

معمولاً افراد کمرو با سنین پایین تر از خود ارتباط برقرار می کنند و از ارتباط با بزرگتر خود داری می کنند. از نظر علمی و سنی اغلب دوستان کوچکتر از خود دارند و یا با کسانی دوست می شوند که از آنها پایین تر باشند.

افراد کمرو وقتی با دیگران حرف می زنند، اغلب با موی ریش، موی سر، ناخن دست، لباس و سایر اعضاء بدن خود بازی می کنند و عدم تعادل در رفتار خود را بدینگونه بروز می دهند در حقیقت در پی یافتن پناهگاه و یا سرگرمی دیگری هستند که از خجالت و کمرویی به آن پناه ببرند.

ص: 28

11 - انزوا طلبی

اغلب افراد کمرو میلی به ارتباط با دیگران ندارند، اغلب دوست دارند، تنها باشند و با وسایل خود سرگرم باشند و کسی کاری به کار آنها نداشته باشد.

12 - عدم پذیرش دعوت

معمولاً افراد کمرو دعوت دیگران را نمی پذیرند، برای شرکت در مجالس عذر می آورند و دوست ندارند، با دیگران ارتباط داشته باشند و در جمع آنها حاضر شوند.

13 - فرار از فعالیتهای اجتماعی

افراد کمرو اغلب فعالیت اجتماعی ندارند و کارهای دسته جمعی و گروهی را نمی پسندند با دیگران همکاری نمی کنند و درصدد فعالیتهای گروهی نیستند، گاه از آن جلوگیری هم می کنند. زیرا کارهای اجتماعی را بر وفق مراد خود نمی دانند و فکر می کنند از انجام آن عاجز و ناتوان هستند، لذا آن را کاری بیهوده می دانند.

14 - استرس و اضطراب

افراد کمرو اغلب مضطرب و ناراحتند و عصبی به نظر می رسند. این افراد از ناراحتیهای مختلف اعصاب رنج می برند.

15 - خشکی دهان

بعلت اختلال در غدد و ناراحتیهای گویایی، دهان افراد کمرو اغلب خشک است و زبان به کام دهان آنها می چسبد. از اینرو احساس خفگی و عطش شدید می کنند.

16 - دل پیچه

از جمله عوارض کمرویی دل درد و دل پیچه است و افراد کمرو در برخورد با دیگران، دچار دل پیچه می شوند.

17 - احساس خارش در بدن

از جمله عوارض کمرویی احساس خارش در اعضاء بدن است.

آثار اجتماعی

اشاره

از آنجا که انسان، موجودی اجتماعی است، اخلاق، رفتار، گفتار و کردار او در جامع مؤثر خواهد بود. انسان اگر از نظر اجتماعی، شخص مهم و مشخصی نبوده و دارای شغل کلیدی و کارشناسی هم نباشد، بهر حال پدر و یا مادر است که بعنوان يك الگو و سرمشق برای فرزند، دوست، همسایه، همکلاسی و... می تواند، در روحيات افراد مؤثر واقع شود.

ص: 29

کمرویی منفی برای انسان آثاری دارد که هم خود شخص تحت تأثیر این فرایندهاست و هم اجتماعی که او در آن زندگی می کند، از این آثار مصون و محفوظ نخواهند بود.

1 - زبان اقتصادی

کمرویی موجب می شود که حق انسان پایمال شود، انسانهای کمرو همیشه از حقوق حقه خود محروم هستند و علی علیه السلام در روایتی پیرامون این مورد می فرماید:

«حیا و کمرویی، مانع روزی انسان می شود»⁽¹⁾.

زبان اقتصادی، ابعاد زیاد متنوعی دارد. از جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

فردی که کمروست، نمی تواند به خواسته دیگران جواب رد بدهد، لذا وقتی از او چیزی می طلبند و می گیرند و آنرا بر نمی گرداند یا وسیله را خراب و ضایع می کنند و فرد کمرو توان مقابله و اعتراض به این کار خلاف امانت داری را ندارد.

این موضوع موجب سوء استفاده افراد فرصت طلب می شود و آنها با زیرکی فرد کمرو را از هستی ساقط می کنند. وسائل او را می گیرند، آنرا به او نمی دهند و یا در نگهداری و وسائل، دقت لازم را بخرج نمی دهند، زیرا مطمئن هستند. با اعتراض روبرو نمی شوند.

قرض دادن، سفارش تأکید قرآن است، که اگر انسان تشخیص داد، فردی به پول نیاز دارد بر او فرض است که اگر استطاعت مالی دارد، این پول را به فرد مسلمان بدهد، قرآن در این مورد می فرماید:

«بی شک مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و کسانی که به خدا قرض نیکویی می دهند (به مردم فقیر کمک مالی می کنند و قرض می دهند) چند برابر نصیب آنان خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی خواهد بود»⁽²⁾.

امام صادق علیه السلام در روایت می فرماید:

«بر در بهشت نوشته شده، ثواب صدقه ده در جه و ثواب قرض هیجده در جه است»⁽³⁾.

مکتب اسلام بر ادای حاجت مؤمن تأکید فراوان دارد و کسانی را که در اینمورد اهمال بورزند مسلمان نمی داند، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که شب را به صبح برساند و به کارهای مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست»⁽⁴⁾.

ص: 30

1- میزان الحکمة، ج 2، ص 565

2- «انّ المصدّقین و المصدّقات»؛ 18 / حدید

3- جامع السعادت، ج 2، ص 159

در مقابل این سفارشات، اسلام به اداء امانت نیز تأکید فراوان دارد. فردی که قرض می دهد، نیز باید به ضوابط شرعی توجه داشته باشد.

انسان اگر به کسی قرض می دهد. وثیقه بگیرد، مدرک داشته باشد، تعهد بگیرد تا اطمینان پیدا کند که مالش محترم و محفوظ می ماند و اگر احیاناً اشکالی در ردّ امانت پیش آمد، مدارک لازم را داشته باشد تا بتواند حقّ خود را بگیرد. (1)

اغلب مراجعین دادگستری در مورد اختلاس و از بین رفتن پول کسانی هستند که بدون وثیقه پول داده اند و با مشکل روبرو شده اند، اگر این جرأت و شهامت در فرد کمرو، موجود باشد که به مراجع قضایی مراجعه کند وگرنه بسیاری از افراد کمرو حتی از مراجعه به محاکم قضایی هم احساس خجالت و شرم دارند و از حقّ خود می گذرند.

کمرویی و شرم، موجب می شود، فرد کمرو پولش را بدهد و گاه افراد فرصت طلب، با استفاده از کمرویی او پولش را بدون ارائه مدرک و وثیقه بگیرند و دیگر به او پس ندهند.

از نظر درآمد و شغل، فرد کمرو کمتر موفق می شود، شغل آبرومندی داشته باشد. فرد کمرو چون کاوش و تلاش ندارد، بعلت کمرویی قدرت تبادل تجربه و نظرات با دیگران را از دست می دهد و در معاملات هم بسیار دچار ضرر و زیان می شود.

افراد کمرو اغلب از نظر زندگی و معاش در عسرت و سختی هستند، در آمد مکفی ندارند و یا بعلت کمرویی قدرت اثبات حق در معامله را از دست می دهند، در نتیجه زیان اقتصادی متحمل می شوند.

برای رشد در عرصه کار و تلاش لازم است، انسان کمرویی را کنار بگذارد و راههای بدست آوردن پول، در آمد و کسب حلال و خدا پسند را با مشورت با دیگران و تبادل افکار با آنها، پیدا کند.

2 - عدم دفاع از حق

اشاره

فرد کمرو توان دفاع از حق را ندارد. از جمله دستورات جامع و لازم برای سازندگی هر اجتماع دفاع از حق است. مسلمان نباید نسبت به وضع جامعه و اعتقادات مردم و گناه بی تفاوت باشد.

در فروع دین اصولی بعنوان مبدأ اعتقادات يك مسلمان و راهگشای عمل آنان، معرفی شده است و مؤمن باید این اصول را رعایت کرده و به آنها عمل نماید و کمرویی موجب می شود که انسان از سعادت دنیا و آخرت محروم شود آنچه مربوط به دفاع از حق است، شامل چند قسمت می شود.

الف: نظارت عمومی

ص: 31

امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل از فروع دین می باشند که برای ساختن اجتماعی عاری از گناه و خلاف، جز ملزومات زندگی يك مسلمان متعبد می باشند. هر مسلمانی وظیفه دارد که این دو اصل را در زندگی اجتماعی از یاد نبرد. اسلام در این مورد تأکید فراوان دارد و در قرآن آیات زیادی پیرامون نظارت عمومی وجود دارد. قرآن در آیه ای می فرماید:

«شما مسلمانان بهترین امت می باشید، که بنفع مردم قیام کردید و از متن توده مردم برخاسته اید و مردم را به نیکی ها دعوت می نمایید و از بدیها باز می دارید».(1)

و امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند:

«دیندار واقعی نیست، فردی که، خدا را بوسیله امر به معروف و نهی از منکر اطاعت ننماید».(2)

توییح

کسی که از نظارت عمومی بهر بهانه ای سرپیچی کند، از نظر اسلام فردی گناهکار است. علی علیه السلام در روایتی می فرماید:

«خداوند بزرگ از دوستانش خشنود نیست که در زمین معصیت خدا شود و آنان ساکت باشند و اعتراض به گناه دیگران ننمایند و امر به معروف و نهی از منکر ننمایند. من جنگ با کفار را از غل و زنجیرهای جهنم آسانتر یافتم».(3)

و در روایتی دیگر می فرماید:

«کسی که از بیان حرف حق حیا کند و شرم داشته باشد، احمق است».(4)

مسلمان نمی تواند بخاطر کمروبی حق را پایمال کند، یکی از آفات کمروبی این است که فرد کمرو نسبت به دفاع از حق شرم و حیا می کند و جامعه مسلمین از این کمروبی در زحمت و گناه می افتد.

ب: دفاع از ولایت

یکی دیگر از جلوه های دفاع از حق، دفاع از ولایت است. مسلمان باید بر اساس دو اصل دیگر فروع دین بنام تولی و تبری است که نسبت به دوستانی ولایت دوستی و نسبت به دشمنان ولایت دشمنی داشته باشد. مسلمان باید از امامت و ولایت، پیروی کند چنانکه قرآن می فرماید:

«از خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی الامر آنان اطاعت نمایید».(5)اء

ص: 32

1- «کنتم خیر امة اخرجت للناس»؛ 110 / آل عمران

2- . بحار، ج 100، ص 86

3- . معراج السعادة، ج 2، ص 226

- 4- . ميزان الحكمة، ج 2، ص 566
- 5- . «اطيعوا الله واطيعوا الرسول»؛ 59 / نساء

و در آیه دیگر می فرماید:

«ای کسانی‌که ایمان آورده اید هرگز کافران را که دشمن من و دشمن شما هستند دوست نگیرید».(1)

از دشمنان خداوند باید دوری کرد و نباید از آنها تبعیت نمود و حتی باید با آنها به مبارزه و مجادله پرداخت قرآن می فرماید:

«پس شما مؤمنان با دوستان شیطان بجنگید و (از آنها هیچ بیم و اندیشه نکنید) که مکر و سیاست شیطان بسیار سست و ضعیف است».(2)

اگر مسلمان در جایی قرار گیرد و ببیند مکتب و ولایت او در معرض خطر است باید حیاء را کنار بگذارد و از حق دفاع کند و باطل را نابود نماید.

برای دفاع از حق، مکتب و ارزشهای آن و معارف الهی انسان به هیچ عنوان نباید خجالت بکشد و احساس ضعف کند. یکی از نشانه های مسلمان بودن این است که انسان قدرت دفاع از حق و شوریدن بر باطل را داشته باشد.

دفاع عمومی

از جمله وظایف مسلمان این است که باید از مرزهای عقیده و اندیشه، ناموس و خانواده، دفاع کند. اگر دید حق مظلومی زیر پا گذاشته می شود، بر مسلمان فرض و لازم است که از حق مظلوم دفاع نماید.

قرآن در مورد اهمیت دفاع می فرماید:

«اگر خداوند گروهی از مردم را در مقابل گروه دیگر بر نمی انگیزد، فساد روی زمین را فرا می گرفت».(3)

کسی که از دفاع سرپیچی کند مورد خشم خدا خواهد بود. امام باقر علیه السلام می فرمایند: کسی که به خانه او حمله کردند و دفاع نمود، مورد خشم خداوند واقع خواهد شد.(4)

در فضیلت مدافعین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«کسی که در حال دفاع از خانواده اش، کشته شود، شهید می باشد».(5)

و در روایت دیگر فرمودند:

«شخصی که مظلوم کشته شود، بدرجه شهادت رسیده است و سپس فرمودند: مظلوم کشته

ص: 33

- 2- . «فقاتلوا اولياء الشيطان»؛ 76 / نساء
- 3- . «ولو لا دفع الله الناس»؛ 251 / بقره
- 4- . وسائل، ج 11، ص 91
- 5- . تهذيب، ج 2، ص 53

شدن به این معناست که در حال دفاع از خانواده یا مالش و یا شبیه به اینها کشته شود»⁽¹⁾.

مکتب اسلام دفاع را لازم می‌داند و پایداری در دفاع را، هر چند به قیمت جان فرد تمام شود امری واجب برای مسلمان می‌شمارد و در مقابل این رشادت به فرد مدافع اجر شهید عطا خواهد شد. و در دفاع از حقوق دیگران شرم و حیاء و کمرویی، باعث سلب مسئولیت نمیشود، بلکه فرد در مقابل کوتاهی خود کیفر خواهد دید.

اگر فردی در جلسه ای حاضر می‌شود که افراد در آن گناه می‌کنند، کمرویی، شرم و حیا نباید او را از انجام وظیفه باز دارد. هر کس به حدّ توان باید از حق دفاع کند و اگر عملی دید و از آن جلوگیری نکرد، خود نیز شریک مرتکبین عمل خواهد بود. علی علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که به عمل قومی راضی شود، با آنان در انجام عمل شریک خواهد بود»⁽²⁾.

نمونه های عملی دفاع از حق

مکتب اسلام، تنها شعار نمی‌دهد، بلکه بصورت عملی نیز الگوهای ویژه ای در تاریخ وجود داشته اند که برای هر فرد مسلمان می‌توانند، الگوهای شایسته ای باشند.

اگر در تاریخ اسلام، گذری کوتاه داشته باشیم می‌بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله که پرچمدار حق و عدالت بودند، همواره از حقوق مسلمین، مرزهای اندیشه و تفکر، مرزهای خاکی و نوامیس امت مسلمان دفاع می‌کردند، هر چند این دفاع از حقوق دیگران حضرت را متحمل سختی فراوان می‌نمود.

امامان بحق شیعه نیز از این قانون مستثنی نبودند، هر جا مظلومی، ادّعای حق می‌کرد، هر چند مسلمان هم نبود، اینان در دفاع از حقوق آنها تا مرز شهادت، سرمایه گذاری می‌کردند نمونه های فراوانی در اینمورد در تاریخ اسلام مندرج است.

نمونه روشن و بارز این مدافعین، امام حسین علیه السلام و یاران ایشان هستند. ایشان با آنکه شب عاشورا همه از دورشان پراکنده شدند و خود با عده قلیلی ماندند، اما حیات اسلام را در این تشخیص دادند که باید به شهادت برسند و در اینراه کوتاهی نکردند، هر چند شهادتتها از دشمن شنیدند، بظاهر شکست خوردند، خانواده شان به اسارت رفت، کودکانشان متحمل سختی شدند ولی زیر بار بیعت ظلم نرفتند و از حق دفاع کردند و سرانجام نیز با خون خود درخت اسلام را آبیاری کردند و باعث تقویت دین در قلوب مردم شدند. حضرت موظف به انجام وظیفه بودند، نتیجه جنگ عاشورا بر ایشان در آنحال ارزشی نداشت در جریان نهضت امام خمینی قدس سره نیز که به

ص: 34

1- . وسائل، ج 11، ص 92

2- . الراضی بفعل قوم کد الداخل فیه معهم، نهج البلاغه، ج 154

اثبات جمهوری اسلامی انجامید و همچنین در جریان جنگ تحمیلی، امام بارها می فرمودند: ما مأمور به انجام وظیفه ایم، مأمور به نتیجه نیستیم. دفاع باید باشد، هر چند نتیجه ظاهری آن خوشایند نباشد. توصیه اسلام این است که انسان باید حیاء و ترس را کنار بگذارد و با تمام قدرت و توان جسمی، روحی، فکری از حق مسلم خود دفاع کند تا به مطلب مورد نظر و خواسته اش برسد.

تربیت فرزندان شجاع

یکی از وظایف اولیاء و مربیان این است که فرزندان جامعه اسلامی را شجاع و غیور تربیت کنند البته باید مرزهای صحیح و اسلامی شجاعت و پررویی با بی حیایی از هم تمیز داده و شناخته شوند.

اولیاء باید فرزندان را با روحیه شجاع و قوی تربیت کنند که بتوانند از حق خودشان دفاع کنند و گاه نمونه های عملی این دفاع را برای فرزندان تشریح نمایند و آنان را طوری بار آورند که زیر بار ظلم نروند و خود نیز ظالم نباشند.

ریشه و اساس بسیاری از خلقیات و روحيات انسانی از کودکی او سرچشمه می گیرد. اگر فردی کودکی را که مثل موم در دستان اوست بخواهد تربیت کند، بسیار آسانتر است از تربیت کسی که به خلقی خو گرفته و به آن عادت کرده باشد.

3 - افت شخصیت

یکی از دستاوردهای اجتماعی حیاء و کمرویی نابجا، افت شخصیت برای انسان است. معرف هر فرد اعمال و رفتار او می باشد و مردم شخصیت انسان را از اعمال او تشخیص می دهند.

فردی که کمرو باشد و حیاء مذموم در وجودش رخنه کرده است، دچار اعمالی منفی می شود که همین اعمال منفی، در اجتماع او را با افت شخصیت روبرو می نماید.

دوری از نظارت عمومی، عدم دفاع از حق، سکوت در برابر باطلها، انسان را فردی زبون و ترسو و فاقد شخصیت اجتماعی بین مردم معرفی می نماید.

حال آنکه خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند و دین خدا را یاری دهند در دنیا و آخرت عزت و مقام می بخشد.

قرآن کریم در آیه ای می فرماید:

«عزت مخصوص خداوند و رسول او و اهل ایمان است ولیکن منافقان درك نمی کنند و آگاه نیستند».(1)

در سایه پیروی از دستورات الهی، انسان به عزت می رسد و اگر از دستورات الهی سرپیچی نماید، در دنیا و آخرت شخصیتی قابل توجه نخواهد داشت.

اشاره

از جمله آثار کمرویی فروماندن در جهالت و نادانی است.

یکی از خصوصیات انسان در خلقت این است که انسان جاهل آفریده شده است. انسان در ابتدای خلقت نا آگاه و جاهل می باشد و به این مطلب در قرآن صریحاً اشاره شده است.

«خداوند شما را از شکم مادرتان خارج نمود و متولد شدید، در حالیکه هیچ چیز نمی دانستید».(1)

محیط اطراف، روش برخورد اولیاء، درس خواندن و مربی است که انسان را وارد دریای علم می سازد و آنچه برای انسان مجهول است، کشف و روشن می گردد.

بسیاری از مجهولات انسان بوسیله مطالعه از بین می روند ولی در مواقعی مطالعه، درس استاد، تذکرات اولیاء، نمی تواند مطالب گنگ را برای افراد روشن نماید. در اینجا است که کمرویی بعنوان يك سدّ عظیم جلوه می کند و فرد کمرو از پرسیدن مجهولات روی گردان است و از طرح سؤالات خجالت می کشد، لذا جاهل و نادان باقی می ماند.

مزایای سؤال کردن

انسان اگر می خواهد رشد علمی، فکری، فرهنگی، معنوی و اجتماعی داشته باشد باید آنچه را نمی داند پرسد، مثلی معروف است که می گوید:

دانا هم داند، هم پرسد، نادان نه داند، نه پرسد.

ندانستن، عیب نیست، پرسیدن عیب است.

قرآن نیز صراحتاً به این مطلب اشاره می کند و می فرماید:

«از اهل ذکر (یعنی ائمه دین، علماء و دانشمندان) اگر نمی دانید، سؤال کنید».(2)

پرسیدن مجهولات نردبان ترقی است و انسان باید همواره آنچه نمی داند از اهل فن و خُبره هر علمی، سؤال کند تا به حقایق امر، آگاه شود.

اشکال و مجهول، جرّقه ای برای رسیدن به درجات بالای علمی است. فرد کمرو اگر از این پرسشها روی گردان باشد، همواره در جهل باقی می ماند. حیاء در آموختن علم، مذموم و ناپسند است.

انسان کمرو نباید تصوّر کند، که می تواند، به تنهایی شخصی فهیم و عاقل باشد و در کارها رشد کند و به علم برسد.

این انسان دانا است که دنبال علم است و آنچه نمی داند می پرسد، و همواره دانسته هایش بیشتر

ص: 36

1- . و الله اخرجکم من بطون امّھاتکم، نحل آیه 78

2- . «فاسئلوا اهل الذکران کنتم»؛ 43 / نحل

می شوند و جهل و نادانیهایش از بین می روند.

علی علیه السلام می فرمایند:

«سؤال کردن کلید و گشاینده در خزینه ها و انبارهای علم است» (1).

5 - رکود علمی

انسان پیوسته باید در تلاش باشد تا دانسته های خود را افزایش دهد. با مطالعه، شرکت در کلاس درس و حضور در محضر اساتید می توان به علوم بالاتر دست یافت.

از ویژگیهای فرد کمرو، این است که در مجالس و محافل کمتر حاضر می شود، از استاد درس را نمی پرسد، جرأت بیان اشکال را ندارد، می ترسد دیگران او را نادان بدانند و یا دچار عجب و غروری است که خود را از دیگران برتر می داند، لذا همواره در جهل باقی می ماند.

امام صادق علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

«کسی که کمرو باشد، علمش کم است» (2).

علم اکتسابی است و کسب علم احتیاج به زحمت، پرسش و سؤال دارد. کسی که از برخورد با دیگران خجالت می کشد، دچار رکود علمی می شود و از نظر علمی، ضعیف خواهد شد.

کسی می تواند از نظر علمی قوی شود که اهل بحث و جدل و مباحثه و اظهار نظر و نقد و بررسی باشد. در مواردی که می بیند باید حرف بزند و عقایدی را رد کند یا اثبات نماید، حتماً این کار را انجام دهد. رشد در سایه بحث است. تبادل افکار در نقد و بررسی موجب رشد عقل و فکر و اندیشه انسان می شود.

6 - مشکلات عقیدتی

یکی از مشکلاتی که برای افراد کمرو پیش می آید و اغلب افراد کمرو دارای چنین خصوصیتی می باشند، این است که افراد کمرو عقیده ثابت و استواری در مسائل گوناگون، عقیدتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ندارند.

گاهی این افراد نسبت به مسائل ممکن است علم داشته باشند ولی اغلب به مرز یقین نمی رسند.

چنین افرادی با کوچکترین حرف و یا ورزش باد فکری، سیاسی به هر سوی می روند و از هر مکتب و عقیده ای پیروی می کنند و توان مقابله با افکار دیگران را ندارند و ارزش و ضد ارزش را تشخیص نمی دهند.

بدون تفکر و اندیشه، حرفهای دیگران را می پذیرند و چون شاخه ای ضعیف با ورزش باد این

1- . میزان الحکمة، ج 4، ص 330، توضیح بیشتر آنرا در اثر دیگر مؤلف بنام حفظ و تقویت حافظه مطالعه کنید

2- . میزان الحکمة، ج 2، ص 565

سوی و آن سوی می روند. اگر جریانی سیاسی در جامعه رخ دهد، توان تمیز راه حق و باطل را ندارند، لذا بسیار گول می خورند.

چنین افرادی نمی توانند از عقیده و عملی که دارند، دفاع کنند و چون خود عقیده ثابت و استواری ندارند، دیگران را نیز نمی توانند تحت تأثیر افکار خود قرار دهند و نظرات خود را به دیگران عرضه نمایند.

علم و یقین را می توانیم با چنین مثالی بیان کنیم. اگر انسان به مطلبی یقین داشته باشد، حاضر نیست از آن دست بردارد.

اگر انسان به این یقین و باور برسد که وقتی خورشید در آسمان باشد، روز است و وقتی شب شود، خورشید نیست، هر کس بیاید او را تهدید کند یا به او پرخاش کند و یا قسم بخورد که وقتی خورشید است، روز نیست، چنین فردی زیر بار نمی رود هر چند بر او زیاد سخت گرفته شود. زیرا می داند روز و خورشید با هم هستند.

این اعتقاد در هیچ موقعیتی تغییر نمی کند.

در مکتب اسلام مسلمان و مؤمن واقعی باید نسبت به ارکان دین خود اعتقاد کامل و یقین داشته باشد، علم تنها برای داشتن ایمان محکم کافی نیست.

در رساله های عملیه، مجتهدین گرامی، در مسائل تقلید دارند که:

در اصول دین انسان باید به علم و یقین برسد و در اعتقادات تقلید جایز نیست.

توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، اصولی هستند که انسان باید ابتدا علم پیدا کند و سپس از روی علم به یقین برسد.

در مسائل عقیدتی کمرویی، انسان را با مشکل مواجه می کند، حیا و خجالت، انسان را در جهل باقی می گذارد و گاه ریشه اعتقادات سست و بی ارزش هستند. در اینگونه موارد انسان در دنیا و آخرت، از ایمان خود بهره ای نمی برد.

7 - مشکلات خانوادگی

افراد کمرو، اغلب، درگیر مشکلات خانوادگی هستند. ازدواج برای جوان فرض و لازم است، اما تشکیل خانواده برای جوان مشکلاتی به همراه دارد که خود به تنهایی قادر به حل آنها نیست و حتماً باید از نظرات مفید افراد دلسوز و اهل فن و با تجربه و متدین استفاده نماید.

مشکلات خانوادگی متعدد و متفاوت است. از آنجا که هر يك از زوج جوان، در خانواده ای خاص تربیت یافته اند، مدتی طول می کشد تا به اخلاق و روحیات یکدیگر آشنا شوند باید توجه داشت که راز داری یکی از مسائل مهم خانوادگی است و باعث دوام خانواده می شود.

درست نیست که هر مشکل کوچک، یا کمبودی به دیگران کشیده شود. مسائلی هست که با

تفاهم طرفین قابل حل است و مشکل حادی نمی باشد. اما اگر احیاناً مشکلی خاص بروز کرد که زوجین از حل آن عاجز ماندند، خوب است با افراد ذی صلاح مشورت نمایند.

کمرویی و دوری از مشاوره خانوادگی دوام زندگی مشترک را با خطر روبرو میسازد گاه با يك مشورت کوتاه حقائق برای افراد روشن می شود و مشکل حل می گردد.

گاهی اوقات جلوه کمرویی و خجالت در ایجاد روابط بین خانواده های طرفین و یا حتی خود زوجین می باشد.

این مسئله در بسیاری از خانوادهها ایجاد مشکل می کند و گاه به جدایی می انجامد. شخص کمر و دلش نمی خواهد وارد جمع شود، از بودن با دیگران لذت نمی برد و روابط خانوادگی را مخلّ آسایش خود می داند.

با توجه به اینکه در رفت و آمد و برخورد با دیگران باید رعایت اعتدال شود، هر فرد سعی کند بخاطر رابطه با خانواده اش، طرف مقابل خود را در رنج و سختی قرار ندهد و فرد کمر و را مجبور به معاشرت تحمیلی نکند.

بهترین روش برخورد آن است که به فرد کمر و مجال فکر کردن، تصمیم گرفتن و تطابق با محیط داده شود، تا بتواند خود برای ایجاد روابط با دیگران، تصمیم بگیرد و خود را جدای از طرف مقابل نداند و احساس تنهایی و غربت نکند.

باید به او اعتماد به نفس داده شود و به او تفهیم شود که رابطه با دیگران، به معنای طرد او یا بی توجهی به او و یا تضییع حقوق او نیست، بلکه ایجاد رابطه برای تحکیم مبانی خانوادگی و ایجاد علاقه و دوستی و تقویت حس همدردی در مواقع مشکلات و گرفتاریها می باشد.

لجبازی با افراد کمر و نه تنها آنها را اصلاح نمی کند بلکه در وجود آنها ایجاد کینه و بی اعتمادی به زندگی می نماید. باید با تقویت روحیه آنان در صدد رفع مشکل کمرویی آنها برآیم.

8 - مشکلات دینی و شرعی

یکی از آثار کمرویی، بروز مشکلات دینی و شرعی برای افراد کمر و می باشد. همه افراد در آن سطح علمی نیستند که تمام مسائل دینی خود را بدانند. برخی مسائل حتی با مراجعه به توضیح المسائل نیز قابل حل نمی باشند و احتیاج به تجزیه و تحلیل دارند.

بسیاری از افراد کمر و، که از سؤالات شرعی خجالت می کشند گاه سالها عبادت انجام می دهند، ولی بعثت ناآگاهی به مسئله، همه آنها باطل هستند و دوباره باید انجام دهند و حتی موارد انسان کفاره نیز باید بدهد.

یادگیری علوم راههای مختلف دارد. گاه پدر و مادر، گاه مربی، گاه کتاب و گاه دوست است.

مسائل دینی را انسان واجب است یاد بگیرد و نباید در آنها دچار تقصیر و گناه شود. اگر فردی در

دوران بلوغ دچار مشکل و مجهول شود باید حتماً آن مشکل را برطرف کند. زیرا دوران بلوغ، دوران احساسات، درگیریهای روحی و فکری است.

گاه جوان به مبدأ و معاد شك می کند، در او ایجاد شبهه می شود و در مورد بسیاری از مسائل سؤال و مشکل دارد. اگر در این سن این مشکلات حل نشود، چه بسا بنای عقیدتی جوان، بنای متزلزل و ایمان او سست می شود و به دلیل و بین روشنی نمی رسد.

چرا باید نماز بخوانیم؟ چرا روزه بگیریم؟ شکهای در نماز چیست؟ احکام غسلها کدام است؟ احتلام چیست؟ مسائل زنان کدام است؟

اگر انسان این سؤالات و هزاران سؤال دیگر را که در امور دینی و عقیدتی است، نپرسد در جهل باقی می ماند و دچار مشکلات روحی و اخروی می گردد گاه افراد بخاطر ندانستن مسئله عبادت را ترك می کنند و دچار رکود شده و از نظر معنوی، اجتماعی، دنیوی و اخروی شکست می خورند خداوند هم در قرآن می فرماید:

«کسی که از یاد من دوری کند، زندگی دنیای او زندگی سختی خواهد بود و روز قیامت کور محشور خواهد شد» (1).

مشکلات دینی را باید از افراد دانا پرسید. اگر کسی خجالت می کشد بگوید من چنین مشکلی دارم، می تواند بعنوان مشکل دوستش مطرح کند تا به جواب دست یابد. حیاء و کمرویی در این موارد انسان را به گناه می اندازد و گاه انسان مرتکب گناه کبیره می شود که گناهی نا بخشودنی است.

9 - مشکلات رفتاری

یکی از مسائل و مشکلات افراد کمرو مسائل اخلاقی، رفتاری است. از آنجا که فرد کمرو از سؤال کردن می هراسد و خجالت می کشد، به دامان فساد می افتد و دچار مشکل می شود.

در دوران بلوغ جوان مسائل پیچیده ای دارد. این اولیاء هستند که باید مرز اخلاق و رفتار نیک و خدا پسند را به فرزند خود بیاموزند. با فرزند دوست باشند و بسیار دوستانه مسائل شرعی جوان را به او تذکر دهند.

یکی از مشکلات حاد رفتاری در دوران بلوغ مسائل جنسی است. بسیاری از دختران و پسران در سنین 15 تا 12 سالگی به مسائل جنسی بخوبی پی می برند و از مسائل جنسی آگاه می شوند برخی با جستجو، برخی با پرسش، برخی با دیدن افراد مختلف، گاه با مشاهده روابط دیگران و گاه با مطالعه کتب مربوطه در این مورد، آموخته های خود را تکمیل می کنند.

هر جوان بنا به روحیاتی که دارد این مسائل را فرا می گیرد. اولیاء باید در دوران بلوغ مرز مسائل

ص: 40

جنسی، گناه، استمناء، روابط نامشروع را بطور ساده و در حدّ عقل و فکر جوان به او گوشزد نمایند و از او بخواهند، اگر برایش مشکلی پیش آمد، ابتدا با آنها در میان بگذارد.

جوان بعثت حياء و كمروبی گاه از بیان چنین مسائلی با اولیاء خجالت می کشد، اما بخاطر كشف مجهولات به دام افراد پلید و فرصت طلب می افتد.

چنین افراد گول خورده ای، اغلب مبتلاء به استمناء، همجنس بازی، رابطه با جنس مخالف می باشند در حالیکه اولیاء از این روابط هیچ آگاهی ندارند.

تمایل جوان به گناه، روابط با دوستان ناباب با مشاهده فیلمهای غیر اخلاقی و دینی، رد و بدل عکسهای مهیج، روی آوردن به مواد مخدر از جمله مشکلاتی است که در ایام جوانی برای افراد ایجاد مشکل می کند و کمروبی این مشکلات را دامن می زند و آنها را عمیق می سازد.

10 - مشکل در دوست یابی

افراد کمرو اغلب در رابطه با دوست یابی مشکل دارند و این مشکل برای جوان خلاء ایجاد می کند. انسان موجودی اجتماعی است و به روابط با دیگران احتیاج دارد. فرد کمرو نمی تواند با افراد ایجاد رابطه کند و از هم صحبتی با دیگران خجالت می کشد.

در حالیکه دوست شریک زندگی انسان است، دوست خوب، انسان را به کارهای خوب وادار می کند و دوست ناپاک انسان را منحرف می نماید.

علی علیه السلام می فرماید:

«موقعی که کسی با دیگری قدم برمی دارد مردم آنان را با یکدیگر برابر می دانند، زیرا افراد نمونه های یکدیگرند و آنگاه که افراد با یکدیگر ارتباط پیدا می کنند قلبهایشان با یکدیگر نزدیک می گردد» (1).

دوست خوب دارای شرائطی است که انسان اگر می خواهد دوستی بگیرد باید این شرائط را در دیگران مورد ارزیابی قرار دهد افراد عاقل متدین و پاک، شایسته دوستی هستند.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«از ارتباط با مردم و انس با آنان بترس، مگر اینکه عاقلی را پیدا کنی و یا شخص امینی را، در اینصورت با او انس بگیر و از دیگران، همانطوریکه از حیوانات درنده فرار می کنی فرار کنی» (2).

از آنجا که فرد کمرو در ارتباط با دیگران مشکل دارد، ممکن است در دام دوستان شیطان صفت گرفتار شود.

1- . كيف تكسب الاصدقاء، ص 48

2- . كيف تكسب الاصدقاء، ص 57

وقتی فردی بعلت کمرویی از دوستان واقعی خود سؤال نکند، گاه سؤالش را با چنین دوستانی در میان می‌گذارد و این مسئله موجب سؤال استفاده این دوستان خطا کار می‌گردد.

در بین جوانان بسیار بوده اند که با ذکر مسائل و مشکلات خود، در دام این دشمنان افتاده اند، به آنها حرفی زده اند، یا نامه ای نوشته اند و این دوستان شیطان صفت این سؤالها و پرسشها را نا بخردانه جواب داده اند و از آنها برای رسیدن به خواسته غیر شرعی و فاسد خود استفاده نموده اند.

بوده اند عزیزانی که بواسطه در میان گذاشتن رازهای پنهان خود با افرادی بی لیاقت دچار مشکل شده اند و این افراد سعی در افشاء راز آنها و کشاندن افراد به کارهای خلاف و خطاهای دیگر کرده اند.

کارهایی را از فرد خواسته اند و در صورت عدم پذیرش تهدید کرده اند که رازشان را بر ملاء و آبرویشان را خواهند ریخت. این افراد شیاد و صیاد جنایات زیادی را در بین جوانان مرتکب شده اند.

بسیاری از انحرافات اخلاقی، جنسی، دزدی، کارهای خلاف، روابط نامشروع، اعتیادهای گوناگون، بعلت همین اتکاء به دوست نادان بوده است.

11 - روابط نامشروع

گاهی اوقات، افراد کمرو در دام هوسبازان گرفتار می‌آیند. در این مورد بیشتر دختران در معرض آسیب هستند، زیرا ممکن است فردی به آنها اظهار علاقه کند، نامه ای به آنها داده و یا عکسی به آنها بدهد و آنها بخاطر کمرویی نتوانند، این موارد را رد کنند و با آن برخورد درست داشته باشند.

اغلب منحرفین، افراد کمرویی هستند که اینگونه به روابط نامشروع کشیده شده اند و بدنبال این دریافتهها، گاه نامه هایی داده و یا عکسی به طرف بخشیده اند و این مسائل آینده پاک و زندگی پایدار و ازدواج آنان را با مشکل مواجه ساخته است. گاهی بعضی دختران حتی به دوست خود عکس داده اند و این عکس از دست برادر هوسباز این دختران سر در آورده است.

معمولاً افراد شیادی که هر بار فردی را به تور می‌اندازند و تنها به فکر مقاصد و لذات پست خود هستند، از نامه های دیگران نیز سوء استفاده کرده و طرف مقابل را بیشتر در چنگال خود فشار می‌دهند.

آنها را تهدید می‌کنند که اگر به حرف آنان گوش ندهند و خواسته هایشان را برآورده نسازند، عکس آنها را به دیگران نشان می‌دهند و یا نامه شان را افشاء خواهند کرد، اینگونه افراد در زندگی سالم زناشویی نیز همواره در معرض تهدید این افراد هوسباز هستند و در فشار عصبی و هیجان بسر می‌برند.

این هشدار است به افراد کمرو که به بهانه خجالت توان مقابله با افراد هوا پرست را از خود

سلب کرده اند و تسلیم خواسته های غیر شرعی آنان شده اند.

آیا اگر کسی به آنها زهر تعارف کرد، می خورند؟ و می گویند خجالت کشیدم نخورم؟

باید بدانند که زندگی در کنار افراد هوسباز فرجام خوشی نخواهد داشت و اغلب این افراد هرگز حاضر به ازدواج با دخترانی نیستند که با آنان نامه رد و بدل کرده اند، بلکه این افراد هوسباز تنوع طلبند و هر گاه یکبار بر سرکویی، بدنبال صیدی هستند و وقتی بخواهند ازدواج کنند با فردی ازدواج می کنند که اهل این کارها نباشد.

لذا در این موارد باید کمرویی را کنار بگذارند. در ابتدا نامه و عکس را قبول نکنند و اگر هم مجبور به دریافت شوند، آنان را پاره کرده و خود مدرکی به دیگران ندهند که در آینده با مشکل مواجه شوند.

دام و صیّاد را باید شناسایی کرد و گول حرفهای وسوسه انگیز و شیطانی را نباید خورد زیرا گناه برای انسان سعادت نمی آورد. اگر کسی گناه کند با دست خود، خود را نابود کرده است چنانکه اگر کسی به انسان زهر تعارف کند و یا بگوید به چشمت چاقو بزن، نباید بزند، گول این نامه ها را نیز نباید بخورد.

سعادت در کنار ایمان و عمل صالح خواهد بود. در این مورد قرآن می فرماید:

«هر مرد و زنی کار نیکی بشرط ایمان بخدا بجای آورد، ما او را از زندگانی با سعادت و خوشی بر خوردار می کنیم اجری بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم» (1).

و در مقابل کسی که دنبال گناه باشد، هم زندگی دنیایش سخت و دور از خداست و هم در آخرت لذتی نخواهد داشت. گناه برای انسان تبعاتی دارد که از نظر اجتماعی، دینی، آبرو و شخصیت انسان را دچار زحمت می کند، قرآن می فرماید:

«ما البته کافران را به کیفر اعمالشان می رسانیم و عذابی بسیار سخت می چشانیم» (2).

کیفر و یا پاداش اعمال انسان، عکس العمل طبیعی عملی است که انجام داده است اما اگر کسی گناهی انجام دهد و توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد. قرآن می فرماید:

«هر کس از شما کار زشتی را از روی نادانی انجام دهد و بعد از آن توبه کند و اعمال خود را اصلاح نماید، البته خداوند، بخشنده و مهربان است» (3).

محروم از مشورت

یکی از اصول مدیریت صحیح در خانواده، اجتماع، مدرسه، محیط حوزه و دانشگاه، مشورت

ص: 43

- 2- . فلننبئن الذين كفروا بما عملوا، 50 فصّلت
- 3- . «من عمل سوء اجهالة ثم تاب من»؛ 55 / انعام

است. مشورت در مباحث مختلف و تبادل افکار انسان را نسبت به بهترینها راهنمایی می کند. هر قدر انسان ادعا کند که عالم و دانشمند است، از پیامبر دانشمندتر نیست خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله توصیه می فرماید:

«در کارها با آنها (مؤمنان) مشورت نما، و آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری می کند».(1)

و در آیه دیگری در توصیف مؤمنین می فرماید:

«و آنانکه امر خدا را اجابت و اطاعت کردند و نماز را به پا داشتند، کارشان را با مشورت یکدیگر انجام دهند و از آنچه روزی آنها کردیم بفقیران انفاق می کنند».(2)

مکتب اسلام، مکتبی جامع و کامل است. مشورت، توکل، اقامه نماز و انفاق مسائلی جدا از یکدیگر نیستند و مسلمان واقعی کسی است که به تمامی دستورات خداوند جامه عمل بپوشاند عدم انجام تکالیف الهی بهر بهانه و عذری که باشد، پسندیده نیست و مسلمان اگر به هر کدام از دستورات الهی بی توجه باشد اداء تکلیف نکرده است.

کمرویی اگر موجب آن شود که انسان از مشورت با دیگران خجالت بکشد، نه تنها به دستور مکتب اسلام بی توجهی کرده است، بلکه خود نیز از دستاوردهای عدم مشورت و زیانهای ناشی از آن، نمی تواند دوری کند.

بسیارند جوانانی که به خاطر استفاده نکردن از تجربه و مشورت دیگران در کارهای اجتماعی، فرهنگی، دینی و حتی ازدواج، متحمل ضربه های جبران ناپذیر شده اند.

انسان در اثر تبادل افکار از حیطة جهل و نادانی رها شده و به آگاهی و علم خواهد رسید. البته این نکته حائز اهمیت است که انسان با چه افرادی مشورت کند و با چه افرادی مشورت نکند.(3)

براستی پناهگاه واقعی انسان در مشکلات و گرفتاریها کیست؟ چگونه می توان بوسیله آنها بر مشکلات فائق آمد. آیا یکی از راههای ارزشمند آن مشورت و تبادل نظر با افراد متدین، فهمیده و آینده نگر نیست؟

پناهگاه مناسب

اگر انسان بخواهد در دام هوسبازان و صیادان گرفتار نشود، باید بداند که پناهگاه واقعی او کیست؟ اگر فردی سؤالی دارد، از مشکلی رنج می برد، به چیزی علاقمند است و یا از رفتاری در عذاب است، باید بداند که دوست واقعی او کیست؟ و با چه کسانی باید مشورت کند؟

ص: 44

1- «و شاورهم فی الامر»؛ 159 / آل عمران

2- «و امرهم شوری بینهم»؛ 38 / شوری

3- توضیح بیشتر در اثر دیگر مؤلف، نیازمندیهای نسل جوان

دوست واقعی کسی است که اگر از او سؤال شود، سؤال را چون راز در سینه پنهان کند و از آن سؤال استفاده نکند و انسان را به راه درست و خیر، هدایت نماید. امام باقر علیه السلام فرمود:

«با کسی دوستی کن که در حالیکه تو را پند می دهد گریه ات بیندازد و با آنکس که به تو خیانت می کند و تو را می خنداند دوستی ننما و بزودی روز رستاخیز بر پا می شود و در پیشگاه خدا می روید و حقیقت را می یابید» (1).

پس دوست مؤمن، ارزش مصاحبت و مشاورت دارد و انسان باید دوست خوب را تشخیص دهد.

اولیاء

پناهگاه مهمی که هر کس در اختیار دارد، اولیاء می باشند. پدر و مادر برای فرزند بهترین دوست و پناهگاه هستند و هرگز دوست ندارند، فرزند خود را اسیر هوای نفس و شیطان ببینند و او را به راه راست هدایت نکنند.

اولیاء باید در نشان دادن دوستی و حس همدردی و نزدیکی خود به فرزندان کوشا باشند و فرزندان نیز اولیاء را از خود جدا ندانند زیرا اولیاء از هر کس به آنان مهربانترند.

مگر آن عدّه معدود از اولیایی که انسان را به راه باطل بکشانند، در اینصورت باید از آنان اطاعت ننمود. قرآن نیز می فرماید:

«و ما به انسان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آنها بکوشند تا به من که خدای یگانه ام از روی جهل و نادانی شرك آوری در اینجا هرگز از آنان اطاعت مکن» (2).

مساجد، ارتباط معنوی

مساجد مأمن و پناهگاه جوانان است. بسیاری از مسائل و مشکلات جوان در ارتباط داشتن با مساجد خود به خود مرتفع می شود و علماء و روحانیت می توانند، بعنوان يك روانشناس مشکلات روحی، معنوی جوان را مرتفع سازند.

وقتی امام می فرمایند: مساجد سنگر است، سنگرها را پر کنید.

بدان علت است که شبیخون فرهنگی دشمن بوسیله مساجد، خنثی می شود. کانونهای فرهنگی،

ص: 45

1- . کیف تکسب الاصدقاء، ص 119

2- . «و وصینا الانسان بوالديه»؛ 8 / عنکبوت

کلوپهای ویدئویی سالم، نوارخانه ها، کلاسها و مسابقات ورزشی، کلاسهای عقیدتی و تربیتی از جمله مفاخر مساجد می باشند.

اگر جوان با مسجد مرتبط باشد، از کانون فساد می‌گریزد و اگر از مسجد روی گردان باشد، زودتر به دامان فساد می‌افتد و گول می‌خورد.

بر اولیاء فرض و لازم است که، راه مساجد را از کودکی به فرزندان نشان دهند و آنان را با مسجد مرتبط سازند و آنها را از لحاظ معنوی بیمه نمایند.

معلم و مربی

معلم و مربی دلسوز می‌تواند پناهگاه خوبی برای جوان باشد. جوان باید با معلم براحتی ایجاد رابطه کند و با او چون دوست باشد، معلم نیز در مقابل باید با حفظ اسرار جوان و راهنمایی او به کارهای خوب، جوان را در رسیدن به پیشرفت و تعالی یاری بخشد کم‌رنگ شدن نقش معلم در تربیت اثر سویی بر آینده جوان خواهد داشت. معلم علاوه بر تعلیم، ترکیه و پرورش فکری جوان را نیز بعهده دارد. خداوند در قرآن ترکیه را بر تعلیم مقدم می‌شمارد و می‌فرماید:

«خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از میان آنان برانگیخت که آیات خدا را بر آنها تلاوت کند و نفسشان را از هر نقص و پالایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را بیاموزد» (1).

بسیارند جوانانی که با ارشاد معلمین دلسوز از بیراهه به راه نجات و فلاح رسیده‌اند و به حیات نیکو موفق شده‌اند. تعبیر قرآن از هدایت زنده کردن افراد است و در آیه ای می‌فرماید:

«هر کسی نفسی را حیات بخشید، مثل آن است که به همهٔ مردم حیات بخشیده باشد» (2).

باید توجه داشت معلم همانطور که نقش سازنده دارد می‌تواند اثر مخرب و گمراه کننده نیز بر جوان داشته باشد لذا باید مربی خوب را شناخت.

کتاب

کتاب پناهگاه نیکوی دیگری است. بسیاری از مجهولات انسان بوسیلهٔ مطالعه از بین می‌رود و انسان به فلاح و رستگاری می‌رسد.

بر جوان فرض و لازم است کتاب هدایتگر از کتاب گمراه کننده را تشخیص دهد.

زیرا بسیاری از قلمهای مسموم، با تیرهای نوشته، فکر جوان را مسموم ساخته و از راه راست گمراه می‌کنند.

در مقابل کتاب خوب نیز ارزش مطالعه دقت و تفکر را دارد. تفکری که انسان را به هدایت

ص: 46

1- . «لقد من الله اذا بعث فيهم»؛ 164 / آل عمران

2- . «من احياها فکانما احيا الناس»؛ 32 / مائده

برساند از عبادت بالاتر است.

روایت می فرماید:

«یکساعت فکر کردن بالاتر از 70 سال عبادت است»⁽¹⁾.

افراد با تجربه

یکی از پناهگاههای مطمئن برای انسان افراد با تجربه هستند. انسان بوسیله تحمل شکست، سختی و مشکلات تجارب خود را بدست می آورد. اگر انسان بدون مشورت با افرادی که صاحب تجربه در دین، فکر و علوم، حرفه و یا شغلی هستند، کاری را انجام دهد بیشتر دچار شکست و پشیمانی می شود.

تجربه علمی است که به انسان سود می دهد و انسان را در رسیدن به دنیای بهتر یاری می کند جوان چون بی تجربه است، ممکن است گول بخورد، بهتر است هر کاری که می داند به آن تسلط ندارد و تصمیم به انجام آن دارد، ابتدا با افراد ذی صلاح و با تجربه مشورت کند تا گرفتار پشیمانی نشود. بهتر است این افراد از فامیل مثل عمو، دایی، خاله، و... باشند و یا از دوستان نزدیک خانواده، بوده و یا کسانی که به آنان اطمینان کامل داشته باشند.

مطالعه تجربیات دیگران، دقت در رفتار و زندگی مردم، شناختن فرجام افراد گولخورده، می تواند جوان را از عاقبت ارتکاب گناه بترساند و به عقوبت عملش آگاه کند.

شناخت مرزها

انسان اگر می خواهد رشد کند و در زندگی مشکلی نداشته باشد، باید مرزهای عقیده و ایمان و کفر را بشناسد. خجالت و کمروبی نمی تواند مانع انجام اعمال انسان شود و یا انسان بخاطر کمروبی و خجالت گناه انجام دهد. زیرا هر کس درگرو اعمال خویش است.

قرآن می فرماید:

«هیچکس چیزی اندوخته نکرد مگر برای خود و هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش نگیرد»⁽²⁾.

هر کسی درگرو اعمال خویش است. پس باید سعی کند که بخاطر دیگری گناه نکند و بخاطر کمروبی و خجالت دست به اعمال ناشایست نزند. چند مثال مطلب را روشن تر می کند.

انسان باید بداند، صله رحم چیست و ترك صله رحم و دیدار اقوام چه زیانهایی دارد.

اگر فردی از انسان بخواهد که از خانواده اش دست بردارد و قطع رابطه کند، آیا باید این کار را انجام دهد؟

ص: 47

2- . «ولا تكسب كل نفس الا عليها»؛ 164 / انعام

اگر دوستی بگوید خانهٔ اقوامت نرو، بیا با من به خیابان برویم، صله رحم شایسته است یا قدم زدن در خیابان؟

باید مرز را تشخیص دهد و طبق نظر خود عمل کند و بخاطر خجالت دست از وظیفه بر ندارد.

رسیدگی به خانواده از جمله وظائف زن و مرد است، آیا مرد می تواند برای شرکت در میهمانی، نسبت به خانواده بی اعتنایی کند؟ کودکان را دکتتر نبرد؟ یا زن، بی توجه به حقوق مرد، خانه را ترك کند؟ بدنبال میهمانی و خوشی خود باشد؟

تضییع حقوق خانواده بهیچ بهانه ای درست نیست و گناه محسوب می شود. باید مرز دوستی، رفت و آمد و حقوق خانواده روشن باشد و انسان گول حرف افراد را نخورد و بخاطر خجالت از حرف دیگران به حقوق خانواده بی اعتناء نباشد.

مکتب اسلام برای انسان مؤمن دستوراتی قرار داده است که از جمله آنها، شرکت در نماز جماعت، نماز جمعه، شرکت در جهاد، شرکت در مراسم عزاداری، تعاون و همکاری با مردم است و انجام همهٔ اینها عبادت است. اگر دوستی بگوید مسجد نرو، نماز نخوان از این چیزها چه خیری دیدی؟ یا در عزاداری شرکت نکن، جلسهٔ قرآن نرو نماز جمعه نرو... آیا خجالت و کمرویی می تواند باعث این شود که فرد از نماز دست بکشد و با دوستش همراهی کند و در محیطهایی وارد شود که در آن غیر خدا مطرح است و بی دینی می باشد.

انسان مؤمن باید از مرزهای عقیده و اندیشه اش دفاع کند و گول افراد را نخورد و در این مرحله حیاء و کمرویی جایی ندارد. باید مرزها شناخته شوند و ارزیابی گردند بهترینها برگزیده شوند.

انسان اعمالی مرتکب شود که برای دین و دنیایش مضر نباشد، هر چند خواستهٔ غیر شرعی دیگری را زیر پا بگذارد.

آیا انسان فطرتاً جسور و بی حیاء است و یا کمروبی و خجالتی آفریده شده است؟ این سؤالی است که در علم روانشناسی بطور گسترده مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر مکتب مقدّس اسلام، انسان موجودی کامل و با کرامت و دارای بهترین استعدادها خلق شده است و این عوامل مختلف زیست محیطی است که موجب شکوفایی استعدادهای انسان می شود و اگر انسان احیاناً از این عوامل زیست محیطی برداشت بدی هم داشته باشد و رفتار ناهنجاری از خود بروز دهد، رفتار او قابل درمان و قابل دگرگونی است.

اگر به عوامل کمروبی دقت شود، و این عوامل شناخته شوند، درمان کمروبی به آسانی امکان پذیر است. زیرا تشخیص بیماری در درمان آن بیماری نقش مهمی دارد.

از عوامل بیماری روحی کمروبی می توان به عامل مهم ژنتیک و وراثت، نقش مهم اولیاء در ایجاد کمروبی بین کودکان مراقبتهای افراطی اولیاء و مربیان، عدم اعتماد به نفس، تکبر و خود بزرگ بینی، عوامل محیطی و اجتماعی، ضعفهای جسمی و روحی، ترس، دوستی، افراد ضعیف، گناهان و انحرافات گذشته، اشاره کرد شناخت کامل پیرامون این عوامل، گشاینده راه بیماری کمروبی است.

سؤالات

- 1 - آیا انسان فطرتاً کمرو می باشد؟
- 2 - عامل ژنتیک و وراثت در کمروبی چه نقشی دارد؟
- 3 - آیا عوامل ژنتیکی قابل بازسازی هستند؟
- 4 - آگاهی فرد کمرو نسبت به کمروبی در درمان او به چه میزان مؤثر است؟
- 5 - آیا پدر و مادر می توانند عامل کمروبی باشند؟
- 6 - نقش مراقبتهای افراطی در کمروبی چیست؟
- 7 - اعتماد به نفس چه نقشی در کمروبی انسان دارد؟
- 8 - چه محیطی، کمروبی را در انسان به وجود می آورد؟
- 9 - ضعفهای جسمی و روحی چگونه موجب کمروبی می شوند؟
- 10 - چگونه می توان گناهان و انحرافات گذشته را جبران کرد؟

در مورد ابعاد شخصیت انسان در علم روانشناسی بحثهای فراوانی شده است. در هر زمینه

ص: 49

تربیتی روانشناسان بر چند دسته تقسیم می شوند و هر کدام نظرات خاصی ارائه می دهند لیکن از آنجا که این بحث روانشناسی در چهار چوب اصول روانشناسی اسلام مطرح می شود. این خصوصیات از نظر دین مقدس اسلام مورد بحث قرار می گیرد.

در بحث فعلی که روانشناسی کمروبی است، این سؤال مطرح است که آیا انسان فطرتاً جسور است یا کمرو می باشد؟ انسان حقیقتاً با چه خصوصیتی آفریده شده است؟ کودک در بدو تولد، کودکی جسور است؟ یا کودکی خجالتی و کمرو می باشد؟

خلقت انسان با بهترین امکانات

در قرآن آیات فراوانی به چشم می خورد که خداوند انسان را موجودی کامل و دارای امکانات ویژه و خاص آفریده است. قرآن می فرماید:

«همانا ما انسان را در بهترین صورت خلق کردیم».(1)

و در آیه دیگری می فرماید:

«همانا ما انسان را کرامت بخشیدیم».(2)

امکاناتی که خداوند، در اختیار بشر قرار داده است، از همه موجودات بالاتر و قوی تر است خداوند بطور تکوینی، جمادات، گیاهان، پرندگان و ملائک را به وظائف آنها آشنا کرده است اما به بشر قدرتی ما فوق این قدرتها عنایت کرده و همه دنیا را در اختیار انسان و در خدمت او قرار داده است.

قرآن می فرماید:

«او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما (انسانها) خلق کرد».(3)

بهترین استعدادها و امکانات خاص در اختیار انسان قرار گرفته است و انسان در آغاز تولد نهاد مستعدی است که استعدادهای فراوان دارد و این عوامل مختلف هستند که استعدادهای انسان را به مرز بروز و شکوفایی می رسانند.

تعادل

از آیات قرآن استفاده می شود که ذات مقدس احدیّت انسان را يك شخصیت برجسته و متعادل خلق کرده است. قرآن می فرماید:

ص: 50

1- . «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم»؛ 4 / تین

2- . «لقد کرنا بنی آدم»؛ 70 / اسراء

3- . «هو الذی خلق کم ما فی الارض»؛ 29 / بقره

«و ما شما را امتی متعادل قرار دادیم» (1).

انسان فطرتاً دارای همه ابعاد زندگی خاص و الهی هست، عدالتخواهی، ظلم ستیزی، دفاع از حق، تنفر از ظالم، در وجود همه انسانهاست. انسان دوست ندارد، مظلوم واقع شود و یا کسی به او تعدی کند و او را سرکوب کند، حقش را بگیرد و بلکه دوست دارد بتواند از حق خود دفاع کند.

تربیت انسان بستگی به عوامل مختلف دارد تا بتواند این ابعاد فطری را بروز دهد پس انسان ذاتاً کمرونیست، جسور و بی حیاء نمی باشد. تربیت انسان است که از او فردی کمرو و یا بی حیاء هم میسازد.

در اینجا لازم است یادآوری شود، اگر فردی می بیند که عوامل مختلفی باعث شده که تا دارای ابعادی منفی در زندگی باشد، باید سعی کند این عوامل منفی را بازسازی و پالایش کند و خود را بسازد و خصوصیات اخلاقی خود را بر اساس تربیت اسلامی آرایش دهد. کمرویی منفی صفتی است که انسان را از رشد باز می دارد لذا برای شناخت بیشتر پیرامون وجود کمرویی در انسان، لازم است ابتدا به عوامل ایجاد کمرویی اشاره ای گذرا شود.

عوامل کمرویی

اشاره

بنا به نظر اسلام، انسان موجودی متعادل و نرمال خلق شده است، اما علل و عواملی انسان را دچار بیماریهای مختلف روحی می کند که کمرویی یکی از انواع این بیماریهاست.

در مسائل تربیتی، این نکته قابل ذکر است که انسان یکباره دارای اخلاقی سوء نمی شود و یکباره نیز، قدرت باز سازی پندار و رفتار خود را ندارد.

ابتدا باید علل و عوامل بیماری شناخته شوند و سپس با شناخت بیماری طریقه مداوا، دارو و درمان بیماری مشخص شود. مهم این است که علت بیماری شناخته شود و شناختن علت بیماری، کار درمان را آسان می کند، بلکه شناخت بیماری خود نیمی از درمان است.

1 - ژنتیک

اشاره

یکی از عوامل مهم و اساسی در مسائل تربیتی نقش ژنتیک است گرچه انسان موجودی متعادل آفریده شده است، بنا به قانون طبیعت از راه ژنتیک، چیزهایی را از اطرافیان خود کسب کرده و آنها را به همراه دارد.

کما اینکه رنگ صورت، مو، چشم و سیمای مادی انسان اشتراکاتی با پدر و مادر و یا دیگر

وابستگی خود دارد و چنانکه از نظر مادی عامل وراثت نقش ایفاء کرده است، از نظر بعد روحی و فکری هم ممکن است گاهی فردی از پدر و مادر و یا وابستگی فامیلی خود روحیات اخلاقی خاصی را به ارث برده باشد.

البته نقش ژنتیک تنها در بعد منفی اخلاق و روحیات و خصوصیات انسان مؤثر نیست. بلکه انسان از راه ژنتیک می تواند، بسیاری از خصوصیات خوب اخلاقی، را هم به ارث ببرد.

پس ژنتیک عامل امور مثبت و منفی است که از دیگران به انسان منتقل می شود. این نکته قابل تذکر است که امور وراثتی قابل کاهش و افزایش و یا پالایش می باشند و اینگونه نیست که تمام خصوصیات مثبت و منفی انسان از طریق وراثت محقق شود و جامعه و انسان نقش اساسی نداشته باشند.

مکتب اسلام و دانشمندان الهی معتقدند که عوامل گوناگون چون وراثت، جامعه و خود فرد تشکیل دهنده شخصیت روحی، فکری، عاطفی، اجتماعی و جسمی می باشند.

بازسازی وراثت

اگر کودکی با کاستیهای روحی و یا جسمی به دنیا بیاید آیا قابل درمان است؟ در این مورد دانشمندان روانشناس، عقاید و نظرات مختلفی دارند.

برخی از دانشمندان می گویند:

ساختار وجودی انسان را فقط عامل وراثت و ژنتیک تشکیل می دهد و اگر کسی از طریق وراثت دارای ابعاد مثبت یا منفی شد، دیگر قابل تغییر نیست.

این گروه برای حرف و عقیده خود دلایلی هم دارند که آن را در مراکز علوم و آکادمیهای علمی ارائه داده اند.

برخی از دانشمندان عقیده دارند:

جامعه در ساختار وجودی انسان تأثیر دارد و وراثت در این مورد نقش ندارد.

این جامعه است که انسان را می سازد.

بعضی از دانشمندان عقیده دارند:

این انسان است که خود را می سازد و ابعاد منفی و مثبت را در خود به وجود می آورد.

اسلام و بازسازی

نظر اسلام در مورد روحيات انسان اين است كه عوامل مختلفي در ساختار وجودي انسان نقش دارند، از جمله عامل وراثت، جامعه و خود انسان است كه روحيات هر فرد را تشكيل مي دهد.

نظر اساسي و واقعي در مسئله تربيت نظر اسلام است پس اگر كسي از نظر وراثت اشكالات و كاستيهاي داشته، مي تواند از طريق جامعه و يا همّت خود، آن كاستيها را جبران كرده و برطرف

ص: 52

نماید.

اگر فردی از نظر جامعه، نکات منفی را در روحیه خود کسب کرد می تواند، بگونه ای عمل کند که آن کاستیها از بین بروند.

در اینجا اگر خود انسان دارای اراده ضعیف و خلأهای عاطفی باشد و نتواند خود را در مسیر صحیح قرار دهد، جامعه می تواند در تربیت و بازسازی او مؤثر باشد.

عوامل تربیتی مهمی از نظر اسلام در جامعه هست که می تواند در تربیت مؤثر باشد اعتقاد به مکتب، امامت و رهبری امت، حکومت اسلامی، اولیاء، مرییان، دوست، همکلاسی امور تربیتی، خانواده و فامیل، هر کدام می توانند، فرد بیماری را درمان نمایند.

بطور مثال اگر معتادی چند بار اعتیاد را ترك کند و باز معتاد شود اگر جامعه روی او مؤثر نباشد تا آخر عمر معتاد می ماند اما می بینیم از نظر جامعه برای بازسازی او قانون وارد عمل می شود و نمی گذارد که معتاد هر کار دلش می خواهد انجام دهد و به امور باطل گرایش پیدا کند. البته این بازسازی و اعمال و اجبار قانون در همه خلافتها و بزهکاریها بچشم می خورد.

قانون با ایجاد اشتغال، سرگرمی، زندان، تشویق، تنبیه، علم و پرداختن به امور روحی و معنوی روی فرد کار می کند تا خلأهای او را پر کند و اشتباهات او را جبران نماید.

پس از نظر اسلام هر فردی که دارای نقص و ضعف و کاستیهای روحی است، نمی تواند بگوید:

چون پدر و مادرم، کمرو و خجالتی بوده اند و منم چنین هستم. یا جامعه افرادی کمرو هستند پس من یاد گرفته ام.

از نظر اسلام این نظریه مطرود و اشتباه است.

ژنتیک قابل تغییر است

این نکته حائز اهمیت است که عامل وراثت و ژنتیک، گر چه در ساختار وجودی انسان عامل مهمی است، اما اگر ژنتیک در فردی اثر منفی بگذارد، جامعه و خود فرد می توانند این اثرات ناپسندیده را بزدايند.

اگر در خانواده ای فرزندی متولد شود که پدر و مادر و اجداد او افرادی ترسو، خجالتی، کم حرف، مظلوم و کمرو بوده اند و دائم به آنها ظلم می شده و حقوقشان مورد تعدی قرار می گرفته است، این فرزند می تواند بر خلاف حرکت وراثت و ژنتیک خود عمل کند.

زیرا این حالت کمرویی، حالت اصالتی و ذاتی نیست. عدالتخواهی، حق طلبی، يك امر ذاتی و فطری است انسان دفاع از حق را قبول دارد و فطرت انسان دارای ملاکاتی است. اگر خلأها و کمبودهایی در امر وراثت باشد، این خلأها بر خلاف فطرت و وجدان انسان است و عقل و وجدان فطری انسان پذیرای این امر نیست و قبول ندارد که فردی نگوید:

من باید از حقم دفاع نکنم، باید اعتراض نکنم، خجالت می کشم، می گذارم حقم پایمال شود.

چون پدر و مادرم هم خجالتی و کمرو بوده اند و جرأت حرف زدن نداشته اند و حاضر نبوده اند از حقشان دفاع کنند پس منم اینگونه عادت کرده ام.

عقل، شرع، وجدان و فطرت انسان می گوید:

این حرفها درست نیست اگر کسی در مسیر خدا باشد و محور ارزشهای الهی را بداند اگر در این راه متحمل سختی هم بشود، زندان برود، فحاشی بشنود، کتک بخورد باز از حرف حق خود دست بردار نیست و مسیر خدا را که بر طبق خواست فطرت است، رها نمی کند.

ویژگیهای منفی در انسان، خلاف فطرت است. اگر کسی از این ویژگیهای منفی دست بردارد، در مسیری خلاف فطرت، عقل، شرع و وجدان قدم برداشته است.

نقش آگاهی در خودسازی

اگر فردی درصدد خودسازی نباشد و با روحیات منفی خوبگیرد و در صدد رفع آن برنیاید، از عواقب آن نمی تواند دوری کند. لذا افرادی که کار غلطی را دنبال می کنند، بخاطر عدم آگاهی، نسبت به عواقب و آثار شوم عمل است.

مثل: فرد معتادی که نمی داند، از اعتیاد چه مصیبتهایی برای خود و خانواده اش به وجود می آورد.

مثل فردی که نمی داند، موسیقیهای مبتذل چه اثراتی بر روان و اعصاب او دارند. (1)

مثل فرد گناهکاری که نمی داند، گناهان چه اثرات شومی بر روی زندگی دنیا و آخرت او می گذارند و او را دچار چه مشکلاتی می کنند. (2)

در امور روحی نیز اینچنین است. اگر انسان واقعاً درک کند که امور منفی در روح او چه اثرات منفی می گذارد، هرگز حاضر نیست به این امور تن دهد و سعی می کند با آگاه شدن از عواقب شوم بیماری روحی درصدد رفع مشکل برآید.

همانگونه که آگاهی از مشکلات و بیماریهای جسمی انسان را وادار می کند که در راه حل این مشکلات تلاش و فعالیت کند و حاضر نیست که مشکل جسمی داشته باشد، در مورد مشکلات روحی نیز باید روشها و تکنیکهای برخورد با بیماریهای روحی را نیز بشناسد و روی این مشکلات کار کند و آنها را بر طرف نماید و نگذارد مشکلات روحی، جسم او را نیز تحت فشار خود بگیرد و به صورت بیماری مزمن درآید.

بر اولیاء و مربیان و کسانی که احیاناً فرزندی کمرو، دانش آموزی کمرو یا کارمندی کمرو دارند،

1- . توضیح بیشتر در کتاب هنر چیست و هنرمند کیست که زیر نظر مؤلف تدوین شده است

2- . توضیح بیشتر در کتاب سیمای معاد اثر دیگر مؤلف

فرض و لازم است که این اشخاص را نسبت به عواقب کمرویی آگاه کنند و به آنان گوشزد نمایند، ممکن است فرد کمرو تا وقتی که در حمایت فردی دلسوز است دچار مشکل نشود و گاه به حق خود برسد ولی همیشه اینطور نیست.

اگر انسان می خواهد به حق خود برسد باید کمرویی را کنار بگذارد و از آن دوری کند تا حقوقش ضایع نشود و دیگران جرأت تجاوز به حقوق او را ننمایند.

2 - پدر و مادر

دومین عامل کمرویی تربیتهای غلط پدر و مادر است و همین تربیتهای فرزند را کمرو بار می آورد و فرزند در اجتماع نمی تواند، حرف خودش را بزند و از حق خود دفاع کند.

پدر و مادر که در خانه بجای به وجود آوردن محیط محبت و صفا، محیط رعب و وحشت ایجاد می کنند، کمرویی را به فرزند خود تلقین کرده اند.

رابطه اولیاء با فرزندان باید رابطه ای سالم، بدور از توهین و پرخاش و با حفظ احترام متقابل باشد.

گاه رفتار اولیاء با فرزند، موجب می شود که او در وجودش همواره احساس شرم و حقارت کند و خود را مقصر و گناهکار بداند.

سرزنشهای مکرر فرزند، روحیه کمرویی را در او تشدید می کند.

اگر توقعهای پدر و مادر بیش از حد و توان فرزند باشد و فرزند نتواند این توقعات را جامه عمل بپوشاند، فرزند را با عقده حقارت و خود کم بینی مواجه میسازد.

اسلام دین متعادلی است و همیشه از مسلمین خواسته است که به اندازه توان و نیروی خود کار کنند و خداوند نیز می فرماید:

«و خداوند، انسان را بیش از حد توان او مکلف نکرده است» (1).

ابتدا باید سطح توان فرزند را شناخت و سپس از او امری را متوقع بود. مقایسه فرزند با دیگران نیز، روحیه کمرویی و عقده حقارت را در فرزندان به وجود می آورد. هرگز دو فرد از نظر توان، حافظه و روحیه مانند یکدیگر نیستند. حتی اگر فرزند يك خانواده باشند. لذا هرگز نباید دو نفر با هم مقایسه شوند.

هر فرد دارای خصوصیات خاصی است و عوامل مختلفی در رشد افراد مؤثر است که مثل، قبل از عالم جنین و وراثت، عالم جنین و دوران رحم، حین ولادت بعد از ولادت و رشد، هر فردی از محیط و اولیاء خود بنحوی تأثیر می پذیرد.

ص: 55

هر کدام از این عوامل دچار خلل و ضعف باشند در روحيات اخلاقی و استعدادهای افراد مؤثر هستند.

لذا گاه دو خواهر یا دو برادر يك خانواده از نظر روحی، فکری، علمی و اخلاقی، در يك سطح نیستند.

3 - مراقبتهای افراطی

اشاره

یکی دیگر از عوامل کمروبی، مراقبتهای افراطی اولیاء و مربیان است. مراقبت لازمهٔ رشد کودک است، اما مراقبتهای افراطی لازم نیست. امر و نهی بیش از حد اولیاء و مراقبتهای افراطی آنان موجب می شود که کودک همیشه احساس ترس کند و خود را انسانی ضعیف بداند و تصور کند که اگر کاری را انجام دهد با اعتراض، تنبیه و اهانت روبرو می شود و از خواسته هایش محروم می گردد.

کودک در ابتدای طفولیت بسیاری از چیزها را نمی فهمد و نمی داند و برای دانستن تنها امر و نهی اولیاء کافی نیست. بلکه کودک دوست دارد، برخی مسائل را خود امتحان و آزمایش کند، هر چند در این راه متحمل ناراحتی هم بشود.

کودک در ابتدا نمی داند بخاری، سماور، کتری، آبجوش، چیزهای سوزانی هستند، اما اولیاء می دانند که او تا دست بزند می سوزد، می گویند دست نزن میسوزی. ولی کودک دوست دارد خود این امر را امتحان کند.

مراقبت باید عاقلانه و بدور از محیط ارباب و ترس و تشنج باشد، اگر اولیاء مرتب مراقب کودک باشند و با الفاظی چون، نکن، بنشین، برندار، می ریزی، می سوزی، می شکنی، بیعرضه ای، لجبازی و... کودک را تحقیر کنند، از کودک خود فردی خجالتی و کمرو ساخته اند.

اگر پدر و مادر مرتب القاء کنند که تو نمی توانی، میسوزی، می ریزی، موجب می شود که احساس عدم اعتماد به نفس در فرزند رشد کند.

مراقبت از فرزند لازم است اما مراتب دارد. برخی مراقبتها جنبهٔ پیشگیری، برخی جنبهٔ درمان و برخی جنبهٔ شناخت دارند. اولیاء بر اساس شناخت هر يك از این مراحل باید فرزند خود را تحت مراقبت صحیح بگیرند.

اعتماد به نفس

اولیاء باید به فرزند خود اعتماد به نفس را تلقین کنند. اگر کودک چیزی بردارد و بریزد ولی خودش آسیب نبیند و ضرر مادی قابل توجهی هم نداشته باشد، اولیاء باید اجازه دهند کودک این برداشتن را آزمایش کند و بخاطر کار مفید کردن اعتماد به نفس را در خود به وجود آورد.

اولیاء باید هر کاری که از دست کودک برمی آید به او محول کنند، هر چند در این راه متحمل ضرر

هم بشوند. بگذارند کودک به خرید برود. به شرطی که در مسیر راه احتمال خطر نباشد، هر چند در راه مقداری از پول را هم گم کند. این تجربیات است که روحیه اعتماد به نفس را در کودک تقویت می کند. برای ایجاد حس اعتماد به نفس در کودک بعضی از ضررهای مادی را باید تحمل کرد.

اگر کودک می خواهد در انداختن سفره کمک کند به او اجازه دهند که این کار را انجام دهد، هر چند خود نیز هوای کودک را داشته باشند. اینکه کودک کاری مفید انجام دهد، احساس خوشحالی و اعتماد به نفس می کند.

با کودک باید مشورت کرد، مشورت با کودک و نظر خواهی از او، رشد فکری و عقلی فرزند را زیاد می کند و باعث شکوفایی استعدادهای او می شود اولیاء می توانند برخی کارها را خود انجام دهند و در انجام آن از کودک کمک بگیرند و برای تشویق کودک، کار را به نام او جا بزنند تا کودک در خود احساس شخصیت کند باید به دانش آموز، اجازه داده شود که اگر اشکال و ایراد و حرفی در رابطه با درس دارد مطرح کند، دانش آموزی که در کلاس درس جرأت نمی کند و زمینه ای پیدا نمی نماید تا نظری بدهد و حرفی را مطرح کند، از نظر فکری عقب می ماند و نمی تواند ابداع و نوآوری داشته باشد و از خود خلاقیت نشان دهد.

شکوفایی عقلی درجایی است که کودک بتواند در مورد آنچه فکر می کند، سخن بگوید و افکار خود را مطرح کند. از حقش دفاع کند و به حق خود برسد.

اگر به دانش آموز گفته شود که حرف نزن، نمی فهمی، شعور نداری، به تو مربوط نیست، حق اظهار نظر نداری، این دانش آموز، در آینده نمی تواند از ابتکار فکری جالبی برخوردار باشد. بلکه او همیشه خود را فردی زبون، ترسو و بی لیاقت تلقی خواهد کرد.

یک کودک قوی، کودکی است که بتواند از حقش دفاع کند و به معلم بگوید: چرا به من نمره کم دادید؟ چرا نمره ندادید؟ چرا ورقه ام را درست تصحیح نکردید؟ اگر این کودک امروز نتواند این حرف را بزند، در آینده از حقوق بالاتر خود نیز، نخواهد توانست دفاع کند.

مسئله مهم این است که طریقه اعتراض صحیح را به کودکان باید آموخت تا آنان با روش درست و بدون بی ادبی و جسارت و در کمال احترام اعتراض خود را مطرح نمایند.

پرهیز از افراط و تفریط

در مراقبتها باید عدالت رعایت شود. هر کس به اندازه قدرت تشخیص و توان او مورد ارزیابی قرار گیرد.

همانگونه که غذای کودک 2 ساله با نوجوان 12 ساله متفاوت است، مراقبتها نیز متفاوت هستند.

عدالت حکم می کند که به هر کودک به اندازه توان معده اش غذا داده شود. لذا هیچ وقت اولیاء از کودک 5 ساله نمی خواهند که 10 سیخ کباب را به تنهایی بخورد این توقع باطل است و در حد توان

کودک نیست. از نظر بعد روحی نیز مسئله همینطور است.

در تربیت باید افراط و تفریط نباشد. آزادی بی حساب مخاطره انگیز است و مراقبتهای افراطی نیز، خطرات دیگری در پی دارد.

نباید کاری کرد که کودک قلدر و بی ادب و جسور رشد کند و نباید کاری هم کرد که کودک سر افکنده و سرکوب بشود و عقده حقارت در او رشد کند.

از خطاهای روشهای تربیتی همین مسئله افراط و تفریط و رعایت نکردن عدالت است.

مراقبت مناسب

برخوردهای تربیتی باید برخورداردی متعادل و مناسب باشد. زیرا خداوند نیز انسان را موجودی متعادل آفریده است و در قرآن می فرماید:

«و ما شما را امتی میانه رو قرار دادیم» (1)

مراقبتها باید مراقبتی متناسب باشد. برخورد باید طوری باشد که کودک هم رشد کند و هم افت تربیتی نداشته باشد و از نظر روحی دچار مشکل نشود.

مشکلات روحی از قبیل ترس، کمرویی، خجالت، بی بندوباری، بزهکاری و... برای انسان افت و خلأ است و باید این کاستی ها از بین بروند.

استعدادهای انسان باید شکوفا و بارور شود و شکوفایی استعداد در سایه تعادل بدست می آید.

همانگونه که یک گلدان به آب، هوا، خاک، محیط مناسب، خورشید و... نیاز دارد تا بارور شود و رشد کند و اگر در هر کدام از این مراقبتها خلأ و کاستی باشد، گل از بین می رود کودک نیز چون گل است. حساس و لطیف و محتاج مراقبت است. به همه نوع کمک و محبت و مراقبت نیاز دارد تا از جمیع جهات هم بعد مادی و هم بعد روحی، تغذیه شود و رشد کند.

اگر اولیاء بخواهند، نسل متعادل، قوی و بالنده داشته باشند، باید به ابعاد تربیتی از جمیع جهات بنگرند و مراقبتهای آنان بجا و مناسب باشد و با اصول تربیتی و اسلامی منافات نداشته باشد.

4 - خود بزرگ بینی یا تکبر

اشاره

یکی از عوامل کمرویی خود انسان می باشد. انسان کاری می کند که بواسطه این رفتار نمی تواند در بین مردم، ظاهر شود و با دیگران معاشرت داشته باشد. بیش از حد شخصیت و ظرفیت و بیش از آنچه هست، ادعا می کند و از ادعاهای باطل و ناحق نیز چشم پوشی نمی کند.

برخی افراد شخصیت خود را بسیار دوست دارند و خود را بسیار بالا و بزرگ می بینند و دوست

ص: 58

1- . «وجعلناکم امة وسطا»؛ 143 / بقره

ندارند که فردی به آنان اعتراض یا انتقادی کند. لذا بین مردم ظاهر نمی شوند، مبادا مورد اعتراض قرار گیرند، اینان دچار بیماری تکبر هستند.

گاهی از موارد نیز افرادی هستند که دورنمای دروغی از زندگی خود به دیگران ارائه داده اند.

مثلاً ادعا کرده اند که از نظر علمی در مقامهای بالایی هستند و درجات عالی علمی دارند. شاگرد فلان استاد بوده اند و یا فلان مدرک علمی را دارند، یا چه درسها و کتابهایی را خوانده اند، در حالیکه حقیقت اینطور نیست. در این مورد فرد دوست ندارد در مجالس حاضر شود و در مباحث علمی شرکت کند، زیرا می ترسد رسوا شود. و یا فردی پیش دیگران ادعا می کند، که فامیل او افراد متشخص و سطح بالایی هستند، چنین فردی سعی می کند برای اینکه دروغش فاش نشود، با دیگران رفت و آمد نکند و از دیگران کناره گیری کند.

گاهی فردی ادعا می کند که وضع مالیش بسیار خوب است، در حالیکه چنین نیست. در این صورت از دیگران کناره گیری می کند و با کسی رفت و آمد نمی کند، به این دلیل که مبادا دروغش آشکار شود.

چنین افرادی که ادعاهای باطل و دروغ می کنند و دوست ندارند، شخصیتشان زیر سؤال برود و دروغ بودن ادعاهایشان بر دیگران آشکار شود از مجالست با مردم کناره گیری می کنند و ترجیح می دهند، با کسی حرف نزنند و اظهار نکنند. زیرا می ترسند که ادعاهای باطل و غیر واقعی آنها جلوه کند.

انتخاب مناسب

انسان اگر بخواهد راحت زندگی کند، باید در مسائل زندگی همیشه انتخاب مناسب داشته باشد.

اگر می خواهد دوست انتخاب کند، دوستش در سطح خودش باشد، تا مجبور به گزافه گویی و دروغ پردازی نشود.

اگر می خواهد منزل تهیه کند، منزل خود را از محیطی انتخاب کند که همسایه ها با او همگونی فکری داشته باشند.

اگر می خواهد ازدواج کند، همسرش را به گونه ای برگزیند که از نظر سنی، موقعیت اجتماعی، مالی، علمی و سایر موارد با او هماهنگ باشد. زیرا ازدواج اگر مناسب نباشد، انسان دچار انزوا طلبی و گوشه گیری می شود.

اگر می خواهد استاد انتخاب کند و نزد او علوم خاص را فرا بگیرد، باید سعی کند استادی باشد که در شعاع فکری او فکر کند و بتواند فکر او را رشد دهد. اگر استاد در سطح بسیار بالایی باشد، شاگرد نمی تواند با او ارتباط فکری برقرار کند، لذا دچار عوارض کمرویی می شود.

یکی از عوامل کمروبی محیط و جامعه است. اگر در محیطی که کودک رشد می کند استبداد حاکم باشد و کودک نتواند اظهار نظر کند، دچار کمروبی می شود.

اگر محیط خانه، محیط جنگ و دعوا و کشمکش باشد، کودک در چنین خانه ای دچار کمروبی می شود.

اگر کودک در مدرسه ای تحصیل کند که بچه های دیگر از او در دروس قوی تر باشند و او در سطح پایینی باشد، دچار کمروبی می شود و نمی تواند آرامش فکری داشته باشد و درست درس بخواند، معلم باید ضعفهای شاگرد را درک کند و او را در زدودن ضعفها یاری کند و کاری نکند که ضعفهای کودک نه تنها جبران نشود بلکه تشدید هم بشود.

اگر دانش آموز ضعیفی در مجموعه ای از دانش آموزان قوی قرار بگیرد، و ضعفهای او شناخته و بزرگ شوند و مرتب سرزنش شود، این محیط برای این دانش آموز بسیار خطرناک است.

بعضی از کودکان بسیار حساس هستند و روحیه لطیفی دارند. اولیاء و مربیان باید این روحیه ها را بشناسند و این افراد را تحقیر نکنند و سعی کنند که آنان را دچار عقده حقارت ننمایند.

هر فرد توانها و استعدادهایی دارد. اساتید باید این استعدادها را بشناسند و کودکان را بر اساس حس ترغیب و تشویق به راه خیر بکشانند و رشد علمی دهند.

6 - ضعفهای جسمی، روحی

اشاره

یکی از عوامل کمروبی ضعفهایی است که در هر فرد ممکن است وجود داشته باشد. برخی ضعف جسمی دارند، نقص عضو دارند و یا دچار بیماری خاصی هستند، این کودکان اغلب بخاطر ضعف جسمی، احساس شرمساری و خجالت می کنند و این عوارض در مواقعی بیشتر بروز می کند که این کودکان بخاطر وضعیت جسمی مورد اهانت و آزار کودکان دیگر نیز واقع شوند. برخی ضعف فکری دارند، در محیط علم و دانش نمی توانند خود را بروز دهند و استعداد و نبوغ خاصی ندارند، این افراد در جامعه بخاطر ضعف حافظه و کاستیهای علمی اغلب دچار کمروبی هستند.

باید بدانیم که ضعف عامل رکود نیست. بلکه انسان باید ضعف خود را با شجاعت و نشان دادن نبوغ در عرصه های دیگر جبران کند، زیرا هرگز فردی ضعیف نیست اگر ضعفی دارد، در مقابل استعدادها و توانایی هایی خاص دیگری دارد که می تواند آنها را رشد داده و شکوفا کند.

گاهی برخی مشکلات مالی دارند. وضع مالی آنها خوب نیست و این افراد در اجتماع و بین

ص: 60

دوستان احساس شرمساری و خجالت می کنند و دچار کمروبی می شوند.

گاهی برخی افراد خود مشکلی ندارند، ولی یکی از اعضای خانواده آنها، معتاد، منحرف یا فاسد است. بهمین علت فرد احساس خجالت و شرمساری و کمبود می کند و در مجالس جرأت نمی کند حرف بزند، زیرا می ترسد به او بگویند، اگر راست می گویی برو، خانواده ات را درست کن. لذا کمروبی و تنهایی او را بر مجالست و معاشرت با دیگران ترجیح می دهد.

اما این نکته قابل تذکر است که بخاطر اشتباه دیگران نباید فردی را توبیخ و سرزنش کرد. هر کس در گرو اعمال خود است و مسئول آن می باشد. از نظر شرع و عرف و قانون نمی توانیم بخاطر خلاف یک فرد، شخص دیگری را مورد مؤاخذه قرار دهیم.

قرآن می فرماید:

«هر کسی درگرو عملیست که انجام داده است».(1)

و در آیه دیگر می فرماید:

«هیچ نفسی، بار دیگری را بردوش نگیرد».(2)

هر نفسی خود مسئول کاری است که انجام می دهد و دیگری نباید بخاطر عمل شخص دیگر مورد سرزنش قرار گیرد.

7- ترس

اشاره

یکی از عوامل کمروبی، ترس است.(3) ترس عوامل مختلفی دارد، اما از جمله عوامل ترس تهدید و تنبیه زیاد فرزند، توسط اولیاء است. کودک را باید به مسیر هدایت راهنمایی کرد. و این راهنمایی باید بدون تهدید و تنبیه باشد. اگر هدایت همراه با تهدید زیاد و تنبیه های مکرر باشد، کودک را ترسو می کند و ترس عامل کمروبی است.

اگر کودک اشتباهی انجام می دهد، نباید او را ترساند و در دلش رعب ایجاد کرد بعضی اولیاء، دائم اشتباه فرزندشان را یادآوری می کنند و اگر فرزندشان نزد فردی اشتباهی انجام داده باشد، به او می گویند:

آبرویت رفت، نمی توانی سرت را بالا کنی و... این تلقینات کودک را دچار ترس و کمروبی از افراد می کند.

ترس از مردم از نظر اسلام مطرود است. خداوند در قرآن صریحاً می فرماید:

ص: 61

2- . «ولا تزرؤا وازرة وزر اءرى»؛ 164 / انعام

3- . توضیح بیشتر را در اثر دیگر مؤلف مطالعه فرمایید

«از مردم نترسید و از من بترسید».(1)

ترس از مردم عامل رکود است و ترس از خداوند رشد آفرین است و انسان را از ارتکاب گناه و معاصی باز می‌دارد و کسی که در دنیا از خدا بترسد، در قیامت ترسی ندارد قرآن می‌فرماید:

«آگاه باشید که برای دوستان و اولیاء خداوند، ترس و اندوهی نیست».(2)

ترس از مردم گاهی موجب می‌شود که انسان حق را هم زیر پا بگذارد و حرف نزند.

نعمت فراموشی

یکی از نعمتهای خداوند این است که انسان بسیاری از مسائل را به مرور ایام فراموش می‌کند، انسان اگر از کسی اشتباهی ببیند و یا مشکلی برایش به وجود بیاید آن را به تدریج به فراموشی میسپارد.

از این نظر فراموشی نعمت است. زیرا اگر انسان مسائل و مشکلات را فراموش نکند ادامه زندگی برایش غیر ممکن خواهد بود.

کسی که ضرر مالی می‌کند، بتدریج آن را جبران و فراموش می‌کند. کسی که پدر و مادر و یا عزیزی را از دست می‌دهد، بتدریج رنج غمش کم می‌شود و گرنه زندگی انسان بواسطه غم و غصه فلج می‌شد. این است که نباید به فرزند القاء کرد که فلان شخص عیب تو را می‌داند، پس پیش او آبرو نداری بجای این تلقینات باید او را وادار به کارهای مثبتی کرد که کار منفی و اشتباهش را جبران کند و راه درست را بشناسد.

زیرا کاستی‌ها و خلأهای روحی، ظلمت و تاریکی است و انسان نباید در یک اشتباه بماند و مدام سرزنش شود، بلکه باید آن را جبران کند و دیگر تکرار ننماید.

برخورد با مشکلات

این نکته قابل تذکر است که بسیاری از مشکلات رشد آفرین هستند، انسان نباید از مشکل بترسد، بلکه باید در خود روحیه ای به وجود آورد که توان مقابله با مشکلات را پیدا کند.

مشکلات ضرورت زندگی انسان است و هیچ فردی، زندگی بدون مشکل نخواهد داشت افت و خیزها در زندگی باعث می‌شود که انسان قدر نعمات الهی را بهتر بشناسد.

و قرآن می‌فرماید:

«همانا پس از سختی آسانی است».(3)

-
- 1- . «فلا تخشوا الناس و اخشون» 44 / مائده.
 - 2- . «لا خوف عليهم ولا هم يحزنون»؛ 62 / يونس
 - 3- . «فان مع العسر يسرى»؛ 5 / انشراح

خدای متعال در نظام هستی هم سختی قرارداده است. گاه هوا بشدت گرم است و گاه بشدت سرد می شود این افت و خیزها در طبیعت لازمه رشد و تکامل گیاه و جماد و حیوان و انسان است.

اگر قرار باشد انسان همیشه در خوشی باشد، رشد ندارد و دچار طغیان می شود. قرآن می فرماید:

«انسان هنگامی که غنی شود، طغیان می کند» (1).

اگر انسان همیشه در اوج باشد و ضربه نخورد و از او انتقاد (2) نشود، رشد نمی کند. از انتقاد و سرزنش نباید ترسید و دچار شرمندگی شد. بلکه باید انتقاد را پذیرفت و اشتباهات را جبران کرد.

البته انتقاد هم باید صحیح باشد و روی اصول تربیتی درست، انتقاد شود. اما در مقابل انتقاد گزنده دیگران، انسان نباید خود را بیازد و از رشد بازماند. بلکه وظیفه اش را تشخیص دهد و به وظیفه عمل کند.

8 - دوستی با افراد ضعیف

اشاره

یکی از عوامل کمروبی آن است که انسان همواره با قشر پایین تر از خود از لحاظ علمی، در آمد و شد باشد. وقتی فردی همیشه با این افراد دوست باشد، زمانی که با افراد بالاتر از خود از لحاظ علمی روبرو شود، خجالت و کمروبی بسراغ او می آید.

افرادی که همیشه در مجموعه کوچکترها و ضعیفها هستند و در مجموعه بزرگترها قرار نمی گیرند، این ارتباط موجب می شود که در مجالس و مجامع بزرگ نتوانند ابراز نظر کرده و حضور داشته باشند.

اینکه انسان همیشه با کمتر از خودش ارتباط داشته باشد، رشد ندارد و دچار رکود می شود در امور معنوی انسان باید همیشه بالاتر از خود را بنگرد و بتدریج و کم کم، دامنه دوستی با افراد بالاتر از خود را فراهم کند.

سیر رشد عرفان

انسان همیشه باید تلاش کند تا به کمالات انسانی و لقاء الهی برسد. خداوند می فرماید:

«ای انسان، البته با هر رنج و مشقتی که در راه طاعت و عبادت حق بکوشی عاقبت به حضور پروردگار خود می روی و به ملاقات او نائل می شوی» (3).

تلاش و کوشش انسان، باید محوری الهی داشته باشد. در رشد عرفانی نیز انسان يك شبه

- 1- . «ان الانسان ليطغى ان ربه استغنى»؛ 6 / علق
- 2- . توضیح بیشتر فرایند انتقاد را در اثر دیگر مؤلف با عنوان نیازمندیهای نسل جوان مطالعه کنید
- 3- . «یا ایها الانسان انک کادح»؛ 6 / انشاق

صاحب همه چیز نمی شود، بلکه در این راه باید زحمات زیادی را متحمل شود. و این رشد سلسله مراتب دارد.

گاهی افرادی می خواهند در مسیر مسائل عرفانی، معنوی و زهد، حرکت کنند و کارهایی انجام می دهند که اصلاً در توان و وسع آنها نیست. زحمات طاقت فرسا و مشکلات روحی آنان را خسته می کند. مثلاً فردی بخواهد به مقام عرفان برسد، چند ماه پشت سرهم روزه بگیرد. این امر عواقب خطرناکی از نظر مادی و معنوی برای انسان به همراه دارد.

انسان باید سعی کند که بتدریج صاحب حکمت و بصیرت شود و رسیدن به حکمت راههای بیشمار و مداوم دارد. علی علیه السلام می فرماید:

«عمل کم ولی مداوم، بهتر از عمل زیادی است که باعث ملالت شود».(1)

در مثال مادی مانند آن است که فردی در مسابقات بیند ورزشکاری با دست 20 آجر می شکنند.

او هم تمرین نکرده تصمیم بگیرد که این کار را انجام دهد، هرگز موفق نمی شود. صبر و حوصله و تمرین لازمه کار است. شوق و علاقه باید باشد تا انسان را رشد دهد.

انسان باید با توجه به توان و ظرفیت خود، کم کم بسوی کمال و رشد گام بردارد.

یکی از راههای رشد هم این است که ابتدا با افراد کمی بالاتر از خود معاشرت داشته باشد و کم کم سطح علمی او که بالا رفت با افراد پخته و سنجیده و صاحب نظر دوستی و معاشرت کند.

9 - گناهان و انحرافهای گذشته

یکی از عوامل کمرویی گناهان و انحرافات است که فرد داشته است. برخی افراد اگر گناه یا خلافی انجام دهند، بجای جبران خطاها، دچار گوشه گیری و انزوا می شوند و دائم خود را سرزنش می کنند که چرا چنین کاری انجام داده اند؟

خدای متعال در قرآن می فرماید:

«ای پیامبر به بندگان من خبرده که من بخشنده و مهربانم».(2)

اگر کسی گناهی کرده و از این گناه اظهار خجالت و شرمساری کند و توبه نماید و اعمال بد را جبران کند، خداوند او را می بخشد.

انسان باید ارتباطش را با خداوند قوی کند و گناهان را جبران، نماید، تا به نفس مطمئنه برسد.

نفس لوامه(3) و ملامت گر در انسان، که همان ندای وجدان است و در قرآن به آن قسم یاد شده است، باید باعث بیداری انسان شود و

انسان اعمالش را تزکیه کند و به نفس مطمئنه برسد.(4)

- 1- . قليل مدوم عليه خير من كثير ملوم به
- 2- . «تأ عبادى انى انا الغفور»؛ حجر / 49
- 3- . «فلا اقسم بالنفس اللوامة»؛ 2 / قيامت
- 4- . «يا ايها النفس المطمئنة»؛ 27 / فجر

یکی از عوامل کمرویی، انزوا طلبی و گوشه گیری از مردم و دوری از معاشرتهای اجتماعی است افرادی که معمولاً دوستانی صمیمی ندارند، با دیگران در ارتباط قوی برقرار نمی کنند و اگر هم ارتباطی دارند، بسیار مختصر است، معمولاً دچار چنین مشکلی می شوند.

این نکته قابل ذکر است که معاشرتها باید خالی از گناه و بدون معصیت خداوند باشد و زمینه رشد و تکامل انسان باشد. اگر معاشرت باعث گناه و فساد شود، نه تنها لازم نیست، بلکه باید از این معاشرتها بشدت دوری کرد.

خوب است انسان دوستانی سالم و متدین داشته باشد و در مقاطع و جایگاههای مختلف با آنان معاشرت کند. در مدرسه، بین همسایه ها، در مساجد، در مسافرتها، انسان به دوست محتاج است و دوست می تواند، کاستیهای انسان را مرتفع کند و در مواقع احتیاج به کمک انسان بیاید و کاستیهای رفتاری، گفتاری، اخلاقی انسان را برطرف کند.

وقتی انسان معاشرتش با افراد، در سطوح مختلف کم باشد، طبعاً درک او هم کم است و نمی تواند با دیگران ارتباط برقرار کند.

11 - کم آگاهی

یکی از عوامل کمرویی آن است که انسان آگاهی نسبت به مسائل کم باشد، وقتی انسان حرفی برای گفتن ندارد و در يك مجموعه ای قرار می گیرد که هر کسی چیزی می گوید، اظهار نظر می کند مطالبی را عرضه می کند همین آگاهی کم، موجب می شود که انسان در مقابله با دیگران نتواند اظهار نظر کند.

لازم است انسان مطالب متنوعی مطالعه کند. همانطور که همراه با غذا، تنقلاتی، مثل: ماست، ترشی، سبزی مصرف می شود همراه با مطالعات علمی، لازم است انسان گاهی مطالعاتی کند که جنبه علمی نداشته باشد از این مطالعات که شامل شعر، داستان، لطیفه، معما و تاریخ و... می شود، انسان می تواند در مجالس مختلف بهره برداری کند و حرفی برای زدن داشته باشد. برخی از مطالب علمی مناسب با مجالس میهمانی و عروسی و فامیلی نیست. علوم کاربردی علوم هستند که در مواقع مختلف، انسان بتواند از آنها استفاده کند.

وقتی انسان آگاهی کم باشد، از حرف زدن و مجالست می ترسد، خجالت می کشد و وحشت دارد مبادا حرفی بزند، که اشتباه باشد موجب تمسخر دیگران شود و آبروی او برود.

یکی از موارد کمرویی سرزنش و تحقیرهای بی مورد است. وقتی فردی مرتب تحقیر شود، در وجودش عقدهٔ حقارت شعله می گیرد و او را از جمع و دوستی ها دور می کند.

انتقاد روشهای مخصوصی دارد. گاه سازنده، گاه گزنده و مسموم است اسلام به انتقاد سازنده تأکید دارد. و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«بهترین دوستان من کسانی هستند که عیوب مرا به من هدیه می کنند».(1)

روش انتقاد کردن باید درست باشد، لحن انتقاد کننده، محل انتقاد، مورد انتقاد، روش برخورد باید صحیح باشد تا مؤثر واقع شود.(2)

در عین حال اگر فردی به انسان انتقاد ناصحیح و نا بجا کند. برای اینکه این انتقاد روح انسان را نیازارد و انسان را تحت تأثیر شوم خود نگیرد، باید روش برخورد با آن روش مناسبی باشد.

انسان باید سعی کند دیگر آن اشتباه را تکرار نکند، اشتباه گذشته را جبران کند و سعی کند به تکامل اخلاقی رفتاری برسد. اگر انسان از روش انتقاد ناراحت شود و خود را اذیت کند و مرتب غصه بخورد که چرا اشتباه کردم؟ چرا او چنین گفت؟ آبرویم رفت و... این تلقینات، دردی را دوا نمی کند، بلکه باعث رکود اخلاقی انسان می شود و عوارض کمرویی در انسان نمودار می شود.

13 - توداری، رازداری

یکی از عوامل کمرویی توداری بیش از حد است. افرادی که خیلی تودار هستند و حاضر نیستند از مسائل زندگی و اجتماعی خود با دیگران حرف بزنند، دچار عواقب کمرویی می شوند.

از نظر شرع مقدّس اسلام یکی از خصوصیات مؤمن، سرداری و راز نگهداری است. مؤمن باید اسرارش را حفظ کند، تا صاحب بصیرتی را پیدا کند و اسرارش را با او در میان بگذارد.

از نظر اسلام، انسان باید با دوست خود هم زیاد از حد صمیمی نشود و با دشمن هم زیاد دشمنی نکند، زیرا ممکن است دوست روزی دشمن انسان شود و دشمن دوست انسان شود.

علی علیه السلام می فرماید:

«دوستت را در حد متوسط دوست بدار، ممکن است روزی دشمن تو گردد و دشمنت را در حد متوسط دشمن بدار، زیرا ممکن است روزی دوست شما گردد».(3)

اسرار ویژه و خصوصی را انسان نباید با هر کسی در میان بگذارد. اما توداری و سرداری نیز نباید باعث شود که انسان از مجالست دیگران عقب بماند و از کسب تجربه محروم شود و از رشد و کمال عقب بماند.

- 1- . احب اخوانى من اهدى الى عيوبى
- 2- . توضيح بیشتر در كتاب افسردگى
- 3- . كيف تكسب الاصدقاء، ص 51

چکیده مطالب

مریبتا باید عوامل بیماری را بشناسد تا بتواند درمان صحیح را به کارگیرد. همچنانکه در مداوای بیماری جسمی، پزشک متخصص و لایق لازم است، در بیماری های روحی نیز درمان باید توسط کارشناس و پزشک مطمئن، کاردان و لایقی صورت گیرد، تا مبادا بجای درمان بیماری روحی، مشکل دیگری برای فرد کمروبه وجود آید.

در درمان بیماری کمروبی دوروش درمان وجود دارد که یکی روش منفی و دیگری روش مثبت می باشد.

استفاده از روشهای منفی درمان فرد کمرو را با مشکلات جدیدی روبرو میسازد. اگر مریبتا بخواهد کمروبی را در فردی از بین ببرد، نباید از روش های منفی استفاده کند تمسخر فرد کمرو، انتقاد از او، لحن تند، مقایسه غیر منطقی، ترحم، اجبار و تهدید و محرومیت از روشهای منفی هستند. روشهای مثبت درمان، آگاه کردن فرد کمرو نسبت به عواقب بیماری ارائه الگو و نمونه مناسب، میدان دادن به او، تلقین شهامت و شجاعت، ایجاد اعتماد به نفس، ایجاد روابط صحیح، تغییر محیط نامناسب و... می باشد.

سؤالات

- 1 - تشخیص بیماری چه نقشی در درمان آن دارد؟
- 2 - درمان بیماری روحی باید توسط چه افرادی انجام شود؟
- 3 - روشهای مثبت و منفی در درمان چه تفاوتهایی دارد؟
- 4 - چگونه برای فرد کمرو بجای درمان مشکل جدید به وجود می آید؟
- 5 - آیا تمسخر مشکل کمروبی را حل می کند؟
- 6 - آیا لحن تند، در درمان مؤثر است؟ نظر قرآن در این مورد چیست؟
- 7 - آیا مقایسه دو فرد کار درستی است؟
- 8 - آگاهی فرد کمرو چه نقشی در درمان او دارد؟
- 9 - چه الگو و نمونه ای باید به فرد کمرو ارائه داد؟
- 10 - چگونه باید به فرد کمرو وسعت میدان عمل داد؟

همانطور که تذکر داده شد، تشخیص بیماری، نقش مهمی در درمان دارد. مربی لایق کسی است

ص: 67

که عامل بیماری روحی را در فرد تشخیص دهد و طبق روش خاص آن عامل بیماری، سعی کند عامل را از بین ببرد.

همانگونه که در امور جسمی انسان اگر دچار بیماری شود، با روشهای خاص و تجویز داروهایی خاص درمان امکان پذیر است، در بعد روحی نیز، روشهای درمان تفاوت دارد. ابتدا لازم است تذکر داده شود که درمان باید تحت نظر مربی لایق، متدین و متخصص و صاحب نظر باشد، تا درمان آسان شود.

درمان بیماریهای روحی دو نوع است:

1 - روش منفی و شناخت این روشها، انسان را در رسیدن به درمان، کمک خواهد کرد.

2 - روش مثبت و شناخت راههای کاربردی این روشها در درمان مهم هستند.

روشهای منفی تربیتی

اشاره

اگر عامل بیماری تشخیص داده شود، درمان شروع می گردد. درمان انواعی دارد. نوعی از درمان منفی است. گرچه از طرف بسیاری از اولیاء و مربیان این روشهای منفی بکار گرفته می شود، که متأسفانه پیامدهای ناگواری را نیز در پی دارد.

در بکارگیری روشهای منفی نه تنها مشکل فرد، حل نمی شود، بلکه زمینه ایجاد مشکلاتی حاد دیگری در وجود او جان می گیرد.

ابتدا لازم است در روشهای منفی تربیتی سیری گذرا داشته باشیم.

1 - آفریدن مشکل جدید

یکی از راههای درمان منفی آن است که وقتی مربی می خواهد فردی را از مشکل نجات دهد او را به مشکل دیگری مبتلا کند. گاه مربی کاستی و مشکل دانش آموز را می خواهد از میان بردارد، به جای آن مشکلی بدتر به او القاء می کند و جایگزین مشکل قبلی او می نماید.

در امور مادی نیز این مسئله حائز اهمیت است. بطور مثال، فردی که چربی خون دارد و به او توصیه می شود، ورزش کند، اگر ورزش زیر نظر متخصص نباشد، حرکتهای فیزیکی و فعالیتهای جسمی زیاد و بی ضابطه مشکل دیگری برای او به وجود می آورد. ورزشهای سنگین اگر بدون تمرین و زیر نظر کارشناس نباشد، موجب سکتة قلبی و انفارکتوس می شود.

در مسائل روحی نیز چنین است اگر مربی بخواهد فردی را از کمرویی نجات دهد، باید برخوردش طوری باشد که او را مبتلا به بیماریهای دیگر نکند.

مثلاً از او درسی را می پرسد، به دانش آموز تلقین می کند که نباید کمرو باشی، نباید کم حرف باشد، بخاطر کمرویی طفره می رود و دروغ می گوید که بلد نیستم.

در اینجا نه تنها مشکل کمرویی حل نشده، بلکه فرد به دروغگویی نیز مبتلا شده است. و یا

ص: 68

فردی را بخاطر اینکه کمرو است، به او توجه نکنیم و به او محبت نشان ندهیم. این اعمال موجب می شود که کنیه افراد در دل او رسوخ کند و از جمع بگریزد و به جلسات قدم نگذارد.

روش تربیتی و پالایش عملهای منفی باید بگونه ای باشد که عوارض دیگری را بدنبال نداشته باشد.

2 - تمسخر

یکی از راههای درمان منفی، تمسخر فرد کمرو می باشد. برخی از اولیاء و مربیان، ممکن است فرد خجالتی را مسخره کنند، به او بی توجه باشند، اجازه ندهند حرف بزند، او را پیش دیگران تحقیر کنند و به او متلک بگویند به این تیت که فرد خجالتی دیگر خجالت نکشد.

این کار مربی قضیه را برعکس می کند. یا تمسخر و متلک گفتن نه تنها مشکل کمرویی حل نمی شود و پا برجاست در حقیقت، مشکلات دیگری را نیز برای فرد بیمار به وجود می آورد.

در مثالهای مادی می توان گفت: تمسخر کردن فرد خجالتی، مانند آن است ما کسی را که دارای تب و عفونت و اسهال است، بجای درمان، کتک بزنیم او را از منزل بیرون کنیم و به او پرخاش و دعوا کنیم که چرا تب کردی؟ با این کارها آیا بیماری فرد از بین می رود؟ نه تنها درمان نمی شود، بلکه بیماری روحی نیز به بیماری جسمی او، اضافه می شود.

در بعد روحی نیز تمسخر، فرد را دچار عقده حقارت و خود کم بینی می کند و از نظر شرع مقدس اسلام نیز کار حرامی است. مسلمان نباید فرد مسلمان را مسخره کند، قرآن می فرماید:

«وای بر هر شخص عیبجوی و هرزه زبان» (1).

ویل عذاب خاصی است که خداوند برای افراد خاصی در قیامت قرار داده است. از جمله کافران، مشرکان، افراد قسی القلب، دروغگویان، گنهکار، کم فروشان، تمسخر کنندگان، نمازگزاران بی توجه، کسانی هستند که دچار این عذاب می شوند.

3 - انتقاد

یکی از روش های درمان منفی، انتقاد است. اگر مربی مرتب به فرد انتقاد کند، تو آدم هستی؟ این چه اخلاق و رفتاری است؟ چرا حرف نمی زنی؟ چرا اظهار نظر نمی کنی؟ چرا لکنت زبان داری؟ چرا بدنت می لرزد و....

این انتقادات گزنده کمرویی فرد خجالتی را از بین نمی برد. بخصوص اگر این انتقادات در جمع مطرح شود و لحن انتقاد کننده تند باشد. انتقاد روشهای خاصی دارد. و انتقاد اگر سازنده و از روی

ص: 69

4 - لحن تند

اشاره

یکی از روشهای منفی، لحن تند و عتاب آمیز است. انسان فطرتاً دوست دارد با او به نرمی برخورد شود و از روشهای حاد و تندگريزان است.

از نظر روانشناسی نیز صحبت مری در حال عصبانیت و با لحن تند، مؤثر نیست. بلکه روشهای ملایم پسندیده تر است و مورد استقبال بیشتری واقع می شود. از جمله روشهای ائمه علیهم السلام و علماء بزرگ دین نیز پرهیز از روشهای تند بوده است و آنان ابتدا از روشهای ملایم استفاده می کردند و اگر مؤثر واقع نمی شد به روشهای تند متوسل می شدند که در اسلام نیز مطرح است. موارد تند مثل حدود و دیات، قصاص، زندانی، تبعید و... می باشد که اگر از راه تبلیغ بصورت آرام، فردی هدایت نشود، در اینجا روشهای حاد و تند مطرح می شود.

توصیه به لحن آرام

در سیره انبیاء و ائمه علیهم السلام این مسئله به چشم می خورد که خداوند وقتی آنان را به رسالت مبعوث می فرمود، پیامبران را به آرامی و ملایمت دعوت می کرد و از انبیاء می خواست که مردم را با زبان خوش، به خدا و اسلام فرا بخوانند.

از جمله این انبیاء حضرت موسی علیه السلام است. وقتی حضرت موسی علیه السلام به سوی فرعون که يك انسان طاغی و جنایتکار بود و ادعای خدایی می کرد، (2) مبعوث شد، خداوند به موسی علیه السلام و هارون چنین فرمود:

«بسوی فرعون بروید، همانا او طغیان کرده است و با او به نرمی و آرام سخن بگویید، شاید متذکر شده و بترسد». (3)

در این آیه با آنکه خداوند، به موسی علیه السلام می فرماید به تبلیغ برود و فرعون را هدایت کند، در عین حال موسی علیه السلام را هشدار می دهد که فرعون شاید متذکر شود و بترسد و شاید هم تذکر نپذیرد با اینحال باید او را با لحن آرام بسوی خداپرستی دعوت کند.

تذکر

ارشاد مراحل مختلفی دارد ابتدا باید با لحن آرام و تذکر ارشاد صورت بگیرد. در کتب فقهی نیز

2- . «فقال انار بكم الاعلى»؛ نازعات / 24

3- . «اذهبا الى فرعون»؛ طه / 42

علماء سلسله مراتبی برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته اند(1). هر کس بر اساس گناهی که می کند باید مورد ارشاد قرار گیرد و هر کس به نحوی خاص جریمه می شود.

حداقل مرتبه ارشاد، تذکر دادن است. خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ای پیامبر تذکر بده، زیرا تذکر برای مؤمنین، مفید و سودمند است»(2).

پس در ارشاد، ابتدا باید روی مراحل ملایم و آرام کار شود، اگر مفید نبود، روش و برخوردهای تندتر، مورد استفاده قرار گیرد و متری دریابد که مربی او را دوست دارد و به او احترام می گذارد و تذکرات بخاطر خود اوست.

5 - مقایسه

از جمله روشهای مضرّ درمان، مقایسه کردن است. مقایسه کردن، روح رقابت بین دو فرد را به وجود می آورد. اگر به فردی بگوییم بین، برادرت، دوستت، همکلاسیت، کاری را انجام داد ولی تو نکردی، تو بدی بی کفایتی و بدرد کاری نمی خوری، این مقایسه بدترین نوع رقابت است و عقده حقارت را در روح فرد قوی می کند.

بهترین روش این است که اگر خوبیهای فردی را می گوئیم، در مقابل فرد دیگر را نکوییم و به او اهانت نکنیم، بلکه ابتدا خوبیهایی هم از او مطرح کنیم و در ضمن آن، بدیهایش را به او گوشزد نماییم. تا فرد خطا کار بخود بیاید و از خود سؤال کند که چرا او خوب نباشد و کارهای خوب انجام ندهد. رقابت در موارد مختلف چه در بعد ترك صفات زشت و چه در بعد تحريك و تحريص به صفات ارزشمند از نظر مکتب تربیتی قابل توجه و دقت است.

مربی باید دقت کند که اگر فردی را نام ببرد و او را با فرد دیگری مقایسه کند، این مقایسه کودک را به تصورات ذهنی وادار می کند و او دائم بدنبال نقطه ضعفهای طرفی است که با او مقایسه شده است.

لذا رقابت و مقایسه بدون مشخص کردن فرد خاص باید انجام شود و مقایسه دو فرد، کاری اشتباه و نادرست است. زیرا هرگز دو نفر از نظر ابعاد مختلف مثل هم نیستند برای ارائه دادن الگو بهتر است نام فرد مشخصی از بین دوستان و آشنایان برده نشود بلکه الگوها از افراد الهی و متدین و انبیاء و داستانهای زندگی آنها باشد. و برای بالا رفتن سطح آگاهی مربی لازم است، مربی سیری مطالعاتی در تاریخ اسلام و داستانهای قرآن کریم داشته باشد.

6 - ترخّم

ص: 71

1- . تفصیل مباحث در آیین هدایت و ارشاد نسل جوان اثر دیگر مؤلف آمده است

2- . «فذكر ان الذكري»؛ ذاریات / 55

یکی از روشهای درمان غلط ترحم کردن است. برخی افراد در مقابل بی کفایتی و خجالت دیگران، با ترحم کارهای آنها را انجام می دهند، تکالیفشان را می نویسند، بجای آنها حرف می زنند و بجای آنها کار می کنند.

این روش تربیتی بسیار غلط است، و عواقب شومی بهمراه دارد. این ترحم منفی است و فرد عادت می کند که دیگران کارهای او را انجام دهند و همیشه به کمک او بیایند. بجای اعتماد به نفس به دیگران تکیه می کند و اعتماد انجام کار را در خود نمی بیند.

اولیاء و مربیان باید دقت کنند، اگر فردی کمرو است، به او نباید ترحم کنند و کارهایش را انجام دهند، بلکه روش کار را به او یاد دهند و او را در انجام کار، کمک کنند، تا رشد کند.

اگر کودکی می خواهد حرف بزند و حقی را بگیرد، اجازه دهند خودش این کار را بکند، نگویند او بی سر و زبان است و نمی تواند حقش را بگیرد، باید از او دفاع کرد.

این کار اشتباه است، باید بگذاریم او خود از حقش دفاع کند و ادعا و نظرش را اعلام نماید.

اگر فرزند از پدر چیزی می خواهد، خود بگوید و مادر را واسطه نکند که من خجالت می کشم، شما به پدر بگو. فرزند نباید اینطور باشد. اگر چیزی می خواهد که نباید برای او بخرند، او را متقاعد کنند که فعلاً خرید آن شیء صلاح نیست و اگر توقع در سطح بالاست به او توضیح دهند که در حد توان اقتصادی خانواده نیست، اگر او امروز متقاعد نشود و خوب و بد کار را نفهمد، تا آخر عمر وابسته به مادر خواهد بود.

فردا در مدرسه خجالت می کشد، به معلم اعتراض کند و یا اشتباهش را بپرسد. از نظر فکری حالت رکود و ایستایی پیدا می کند.

توصیه و تذکر این است که اولیاء و مربیان از ترحمی که کودک را دچار ایستایی و رکود کند، پرهیز کنند، فرد باید تحرك داشته باشد، دفاع کند، حقش را بگیرد، متقاعد کند و متقاعد شود و ایستایی و عدم تحرك موجب می شود او امروز نتواند حقش را بگیرد و فردا هم در اجتماع از کمال و رشد باز بماند.

ترحم در صورتی پسندیده است که باعث رشد شود و سازنده باشد و کودک در انجام کار یاری شود.

7- اجبار و تهدید

اشاره

از جمله روشهای غلط تربیتی اجبار و تهدید است. اگر بخواهیم فردی را با اجبار و تهدید از کمرویی دور کنیم او را بدامان گناهان دیگری سوق داده ایم. و فرد برای فرار از مخمصه تهدید و اجبار، اخلاقیات منفی را اتخاذ می کند.

در برخی موارد دیده شده است که اجبار و تهدید مشکلات غیر قابل جبرانی را برای افراد به وجود آورده است. مثلاً دختری را مجبور کرده اند با شخصی ازدواج کند و دختر چون نمی خواسته و از پدر و مادر و... خجالت می کشیده، با اجبار تن به ازدواج داده، ولی بعد یا خود

مسموم کرده و یا از خانه فرار نموده و یا بدامن فحشاء کشیده شده است. بجای اجبار و تهدید باید به فرد روحیه دهند، قدرت و زمینه انجام کار را در او به وجود آورند، او را نسبت به کار توجیه کنند تا بتواند خود را برای انجام کار آماده و مهیا سازد و اگر آمادگی ندارد او را مجبور به انجام کاری نباید بکنند.

آزادی

از جمله حقوق واجب يك انسان آزادی اوست. اگر در برنامه های تبلیغی و تربیتی قرآن عنایت داشته باشید، می بینید که خداوند معمولاً افراد را بگونه های مختلف ترغیب به دین می کند که با علاقه دین را بپذیرند و در قرآن می فرماید:

«در دین اجبار نیست، راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده است، پس هر کس از راه کفر برگردد و به راه ایمان و پرستش خدا بگراید، به رشته ای محکم و استوار چنگ زده است که هرگز نخواهد گسست»⁽¹⁾.

انسان باید، با استدلال و منطق دین را بپذیرد و خدا پرستی را اختیار کند و بعد از پذیرش دین، در فروع دین باید تقلید و اطاعت کند و اعمال دین را انجام دهد.

در آیه دیگری می فرماید:

«ما راه هدایت را نشان می دهیم، می خواهید شاکر باشید و می خواهید کفر بورزید»⁽²⁾.

اصل و اساس دین اختیاری است، با توجه به این که هر کس هم که کافر شود، هدایت خدا شامل او نمیشود و از زندگی آخرت و نعمات الهی بی بهره خواهد بود.

اگر فردی کاستی دارد، کاستی او را از راه صحیح باید حل کرد. اجبار و تهدید و زور، تبعات منفی دیگری در پی خواهد داشت.

8 - محرومیت

یکی از روشهای منفی تربیتی محرومیت است. محرومیت به این معناست که فرد کمروبی را بواسطه اینکه کمرواست از نیازهای فکری، علمی، تفریحی، مالی و تنوع محروم نماییم.

محرومیت صحیح در هنگامی است که با امر خلاف تناسب داشته باشد. برای هر اموری نمی توان از محرومیت استفاده کرد در محرومیت صحیح، بیماری که، قند دارد از برخی میوه ها و غذاها باید پرهیز کند، اگر بیماری سرما بخورد، برخی غذاها را نباید استفاده کند و یا وقتی کسی ورزش سنگین است، باید از مصرف غذاهای پرکالری پرهیز نماید.

ص: 73

1- . «لا اکراه فی الدین»؛ 256 / بقره

2- . «انا هدیناه السبیل»؛ 3 / دهر

نمی توان به فردی که سرما خورده است گفت: که هیچ نخور و از همه چیز محرومی. به تناسب مشکل، باید فرد از احتیاجات خود محروم بماند و این محرومیت شکلی از درمان است و مقدمه سلامتی می باشد.

در مشکلات روحی نیز باید از مسائلی که متناسب با مشکل روحی است استفاده شود.

مربی باید بین مشکل و محرومیت ارتباط برقرار کند و زمینه ارتباط روحی و محرومیت را برای متری به وجود آورد تا او بفهمد و بداند که اگر محروم می شود، به نفع خود اوست و برای رفع عیبی که دارد محرومیت مناسب را بپذیرد.

محرومیت درجایی کار ساز است که مربی تشخیص دهد، با محروم کردن فرد کمرو از بعضی امکانات امکان علاج بیماری در او وجود دارد. اگر محرومیت با شناخت کامل فرد و نوع محرومیت نباشد امری قابل قبول نیست.

ص: 74

برای از بین بردن کمروبی راههای درمان مفیدی نیز وجود دارد. گرچه در خلال بحث درمان منفی به برخی موارد درمان مثبت نیز اشاره شد، ولی در این بحث، سعی بر این است که راههای درمان قطعی کمروبی ارائه شود.

درمان بیماریهای روحی بحث بسیار لطیف و ظریفی است. اولیاء و مربیان باید با دقت کامل فرد را درمان نمایند، تا اثرات مخرب تربیتی دیگری بوجود متربی باقی نگذارند.

1 - آگاه کردن فرد

یکی از راههای درمان کمروبی این است که فرد کمرو را با عوارض ناشی از کمروبی آشنا کنیم، با او دوستانه صحبت کنیم و در محیطی دور از عصبانیت و خشم، بیماری را برای او تشریح کنیم.

آگاهی فرد نسبت به بیماری، نیمی از درمان است. وقتی فرد کمرو با عوارض کمروبی آشنا شود سعی می کند، کمروبی را در وجود خود از بین ببرد.

متأسفانه اغلب اولیاء و مربیان افراد کمرو و گوشه گیر و کم حرف را بیشتر از بچه های شلوغ و پر تحرک می پسندند. اگر کودک اعتراضی نکند و حرفی نزند و اظهار نظر نکند او را بسیار خوب می پندارند. در صورتیکه این امر، اشتباه است. کودک باید حرف بزند، اعتراض کند و اولیاء و مربیان اجازه انتقاد صحیح را به کودک بدهند و با او صحبت کنند و انتقاد بجا و نابجا را برای او روشن نمایند.

کودکانی را که کم حرف و مشکوک هستند، باید ارزیابی کرد. اگر فردی از خود حرکتی نشان ندهد، نمی توان او را شناخت و به خصوصیات درونی او پی برد. و ظاهر نکردن ابعاد درونی فرد خطرناک است و اولیاء و مربیان شناختی از این فرد ندارند.

پس باید بچه ها را وادار به تفکر، انتقاد و نقد و بررسی کنیم و به کودک پیاموزیم که کمروبی و خجالت برای رشد و شکوفایی استعدادهاى او مفید نیست. کودک همیشه در پناه خانواده نیست. در اجتماع باید بتواند، از حق خود دفاع کند و از حقوق دیگران نیز دفاع داشته باشد.

مرز کمروبی و بی پروایی و پررویی باید برای کودک و جوان تبیین شود و نسبت به عوارض و عواقب آن آگاه شود و خود، راه درست زندگی کردن را بیاموزد.

2 - ارائه الگو و نمونه

یکی از راههای درمان مفید و باز پروری فرد کمرو ارائه الگوست. ارائه الگو به معنای مقایسه کردن نیست.

الگوی الهی و رهبران دینی ما بهترین نمونه ها و الگوها هستند و خداوند در قرآن می فرماید:

«البتة به تحقیق رسول گرامی صلی الله علیه و آله برای شما الگوی بسیار نیکویی است» (1).

زندگی رهبران الهی زندگی سرشار از درس و پند و اندرز داشته اند و به مکتب اسلام عمل کرده اند و این الگوها هیچ عیب و نقصی ندارند و تا کنون نقطه ضعفی از آنان در تاریخ ثبت نشده است. بهتر است، فرد کمرو با مطالعه تاریخ گذشتگان، این الگوهای مناسب را بشناسد و روش برخورد صحیح را پیدا کند.

اولیاء و مربیان باید روش صحیح مطالعه و کتابهای مفید و سالم را برای باز پروری فرد کمرو به او بشناسانند.

3 - دادن میدان و فرصت بیشتر برای حرف زدن

یکی از راههای درمان مفید و بازپروری فرد کمرو این است که به او فرصت بیشتری برای حرف زدن بدهیم. اولیاء و مربیان وقت بیشتری در برخورد با فرد کمرو باید صرف کنند و به او بیشتر فرصت دهند تا حرف بزند. گرچه حرفهایش را با لکنت، جملات غلط و نظریات نادرست بیان کند.

هرگز نباید از حرف زدن و اظهار نظر کردن او جلوگیری کرد، بلکه باید به او فرصت و میدان عمل داد، سپس اعمال و گفتار او را کنترل کرد.

به فردی که مشکل دارد باید کمک کرد. چنانکه فردی که بیماری جسمی دارد باید تحت مراقبت بیشتری باشد برای فردی هم که کمرو است باید وقت ویژه قائل شد، تا مطلب مورد نظر و خواسته اش را بیان کند. این کار به او فرصت می دهد تا مسائل روحی و درونی خود را بیان کند و قدرت مانور و حرف زدن و فکر کردن و تجزیه و تحلیل و انتقاد و تفکر را پیدا نماید و به مرور از کمرویی نجات پیدا کند.

4 - تلقین شهامت

یکی دیگر از راههای درمان کمرویی این است که شهامت را به وجود فرد کمرو تلقین کنیم مقاله ای به او بدهیم تا بخواند و ما گوش کنیم، تا قدرت بیان پیدا کند. البته این کار بنحوی باشد که او نفهمد شما می خواهید کمرویی او را از بین ببرید.

او را تشویق کنیم به خواهر یا برادر یا دوستش دیکته بگوید و آن را تصحیح کند. مسئولیتهایی درخور توان به او بدهیم و در فرد کمرو ایجاد تحرك فیزیکی نماییم تا او دریابد که برای او ارزش قائل هستیم و مقام علمی و توان روحی او را ارج می نهیم.

ص: 76

در مراحل بعد می توان فرد کمرو را با افرادی که از آنها کمتر خجالت می کشد، تنها گذاشت و آنها را تشویق به تبادلات علمی و درس خواندن کرد. تا زمینه استخراج مطالب از مغز و انتقال مطالب به دیگران در او ایجاد شود.

می توان فرد کمرو را در اتاقی تنها گذاشت و به او متن یا مقاله ای داد که او از روی آن برای خود بلند بخواند و آینه را جلوی خود قرار دهد و خود را در حال بیان مطالب تماشا کند. این کار قدرت بیان او را زیاد می کند. اگر روزی 5 دقیقه این کار را تکرار کند، قدرت استخراج مطالب را پیدا می کند و در تبادلات علمی قوی می شود و از کمرویی او کاسته می شود.

در باز پروری بهیچ عنوان تلقینات منفی نباشد. محیط دور از رعب و ترس و خشم باشد، تاکمرویی از بین برود و فرد قوی و با شهامت باریاید.

5- ایجاد اعتماد به نفس

یکی از عوامل مهم و مفید در درمان و باز پروری فرد کمرو این است که باید اعتماد به نفس را در او تقویت کرد. یکی از دلایل کمرویی، عقده حقارت، خود کم بینی و تنفر از خویش است. اعتماد به نفس فرد را به داشته های درونی، استعدادها و توانهای آگاه می کند و همین اعتماد به نفس در معالجه کمرویی بسیار مفید است.

باید کاری کرد بچه ها با اعتماد به نفس بتوانند، با روی باز و قدرت قوی، مسائل و خواسته هایشان را عنوان نمایند و از خواسته هایشان دفاع کنند اگر چه به نظر ما دلیل آنها منطقی نبوده و باطل باشد باید منطق و استدلال آنها را اگر چه غیر منطقی و شرعی است، جهت داد، نه اینکه به آنها اجازه استدلال و اظهار نظر ندهیم و آنها را تخطئه نماییم.

کودکی که از طرف خودش دلیل و برهانی را اقامه می کند، همین دلیل بر اعتماد به نفس اوست و چون قدرت روحی و اعتماد به نفس دارد، دلیل می آورد.

ایجاد اعتماد به نفس و قدرت روحی به دانش آموزان از سوی اولیاء و مربیان يك امر ضروری است و خداوند به انسان توصیه فرموده است:

«تو باید تلاش کنی تا به آن قدرت عالی نائل شوی» (1).

در روایات نیز سفارش شده است: گر چه کودکان در مقام مشورت با شما نیستند، سعی کنید که با آنان در اموری که به آنها مربوط است مشورت نمایید. بدین صورت است که نواقص و اشکالات آنها رفع خواهد شد. اگر نظر آنها حق است بپذیریم و اگر نظر او باطل است، وی را توجیه نماییم. تا بفهمد ملاک حق و باطل چیست؟

ص: 77

6 - ایجاد روابط مناسب صحیح

یکی دیگر از روشهای درمان مفید ایجاد روابط صحیح دوستانه و مناسب است. باید برای فرزندان روابط و محورهایی در دوستی ها در نظر بگیریم، تا بفهمد که مسیر حق و باطل چیست؟

یکی از راههای درمان کمروبی همین است که فرد کمرو را با افرادی مأنوس نماییم که زمینه لازم را در آنها به وجود آورند.

اگر فرد کمرو از نظر علمی دارای خلأ است با فردی که از جهت علمی، اجتماعی از او پایین تر است معاشرت کند، تا خلأ روحی او پر شود.

اگر قدرت علمی او خوب است اما بیان ضعیفی دارد، باید از افرادی در دوستی با آنها کمک گرفته شود که قدرت بیان خوبی داشته باشند. اما از نظر علمی ضعیف تر از او باشند.

برای درمان فرد کمرو باید ابتدا در اولین مرحله از دوستهایی استفاده کرد که از فرد کمرو در حد پایین تر می باشند و او از دوستی با آنها احساس شرم نکند.

7 - تغییر محیط

یکی از راههای درمان مفید، تغییر محیط است زمانی که اولیاء، متوجه می شوند كودك در محیطی قرار گرفته است که زمینه و موقعیت ابراز نظر برایش وجود ندارد، باید محیط او را تغییر دهند. فرد کمرو را باید بیشتر به میهمانی ببرند. میهمانی رفتن، تأثیر بسزایی در از بین بردن کمروبی دارد. زیرا معمولاً افرادی که روابط اجتماعی شان با دیگران ضعیف است و معاشرت کمتری دارند، دارای بیماری کمروبی هستند.

برای معالجه کمروبی توصیه می شود که زمینه های رابطه و رفت و آمد را تا مدتی که کمروبی از بین نرفته است، برای فرد کمرو به وجود آوریم و محیط او را تغییر دهیم.

8 - اجراء مراسم همگانی

یکی از راههای درمان کمروبی، این است که فرد کمرو را تشویق به اجراء سرود، شعر یا دکلمه نماییم. اگر چه برنامه ای که اجراء می کند از روی نوشته باشد.

در مناسبتها، اعیاد مختلف می توان مطلبی را تهیه کرد و ابتدا در حضور تعدادی کمتر و بعد در مراحل بالاتر در حضور دیگران، فرد کمرو این مطالب را بخواند و مراسم را اجراء کند. این کار موجب می شود که قدرت استخراج مطالب، از مغز براحتی انجام شود و کم کم حالت خجالت و کمروبی از بین برود.

یکی از راههای درمان کمروبی این است که فرد کمرو کتابی را بخواند و مطالب کتاب را برای افراد دیگر توضیح دهد.

مباحثه ضعفهای انسان را از بین می برد و قدرت بیان را زیاد می کند و انسان قدرت استخراج مطلب از مغز خود را پیدا می کند و کمروبی در وجودش از بین می رود.

از جمله اموری که کمروبی را از بین می برد همین است که فرد قدرت مانور و اظهار نظر پیدا کند، تا کمروبی از یادش برود. وقتی فردی مطلبی را برای دیگران توضیح می دهد، بیانگر آن است که درس را خوب فهمیده و حالا در مقام استادی برای دیگران است. (1)

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

زمستان 1374

محمد حسین حق جو

ص: 79

1- . مسائل دیگری هم مطرح است که به همین مقدار بسنده می کنیم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

